

## جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷\*

«قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه»، نوشته راجرز پلات چرچیل، در سال ۱۹۳۹ توسط انتشارات تُرچ در سیدار راپیدس، آیوا، به چاپ رسید و تنها تک‌نگاشتی است که تاکنون در مورد مذاکرات منتج به قراردادهای مربوط به تبت، افغانستان و ایران - که قطعاً به وجود آورنده یکی از مهم‌ترین تحولات دیپلماتیک دهه آغازین سده بیستم هستند - نوشته شده است. نویسندگان بعدی چنین می‌پنداشتند که چرچیل به تفصیل مذاکرات انگلیس و روسیه و بویژه مذاکرات مربوط به ایران را - که از همه مهمتر قلمداد می‌شد - مورد بررسی قرار داده است و دیگر نیازی نیست که در این زمینه‌ها به جزئیات پرداخته شود. در نوشته‌های نسبتاً فشرده و موجز آنها نسبت به گفته‌های چرچیل وفاداری وجود داشته و کمتر چیزی به آن افزوده شده است، اما در عین حال این احتمال وجود دارد که سوء برداشت‌های احتمالی یا تأکیدهای او مجدداً تکرار شده باشد. به همین خاطر باید گفت که چرچیل درباره طرف بریتانیایی مذاکرات با ایران، تنها از اسنادی کمک می‌گرفت که توسط گوج\*\* و تمپرلی در جلد چهارم از سری کتاب‌های «اسناد

این مقاله برگردانی است از:

\* K.M. Wilson, "Creative Accounting: The Place of Loans to Persia in the Commencement of the Negotiation of the Anglo-Russian Convention of 1907" in *Middle Eastern Studies*, vol.38, No.2, London, April 2002, pp.35-82.

\*\* G.P. Gooch

بریتانیا دربارهٔ ریشه‌های جنگ، ۱۸۹۸-۱۹۱۴»<sup>\*\*</sup> به چاپ رسیده بود. نظر به اینکه گوج و تمپرلی قادر به دستیابی به اسناد ادارهٔ امور هندوستان یا دولت هندوستان- که هر دو نقش‌های مهمی ایفا می‌کردند- نبودند، در مطالب موجود ضعف و کمبود به چشم می‌خورد. ضمناً لازم به یادآوری است که گوج و تمپرلی ترجیح می‌دادند که اسناد خود را به جای آنکه بر حسب ترتیب زمانی منظم سازند، آنها را بر حسب عناوین موضوعی نظم بخشیده، توضیح دهند. از اینرو، بحثی به نام «مذاکرات انگلیس و روسیه در سالهای ۷-۱۹۰۶» و مبحث مبسوط‌تری با عنوان «تجدید رابطهٔ انگلیس و روسیه در سال‌های ۷-۱۹۰۶» موجود است که در این مبحث نیز ۱۷ سند دیگر در مبحثی با عنوان «موضوع وام به ایران در سال ۱۹۰۶» تدوین یافته است.

به خاطر خلأ موجود در «اسناد بریتانیا»، منابع اصلی چرچیل و نگرش نسبتاً خودبینانهٔ مورخان بعدی، توهماتی خاص به وجود آورده است. براساس مطالب مندرج در نوشته‌ای جدید، این توهم چنین است که «همانند پیمان ۱۹۰۲ بین انگلیس و ژاپن، کنوانسیون انگلیس و روسیه لزوماً راهی برای کاهش هزینه‌های دفاعی در برابر چالش‌های یک قدرت سوم است که در اینجا منظور آلمان می‌باشد». آنچه بر می‌آید تلاشی است که برای زیر سؤال بردن و در صورت امکان کنار گذاشتن این توهم وجود دارد.

ممکن است این گونه به نظر رسد که اصولاً موضوع اعطای وام به ایران، نه تنها در مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر ایران بلکه حتی در کل مذاکرات انگلیس و روسیه، امری تصادفی بوده، زیرا این مذاکرات هیچ ثمری نداشت و سرانجام هیچ وامی داده نشد. چنین باوری گمراه‌کننده خواهد بود. وزیر امور خارجهٔ بریتانیا، سر ادوارد گری،<sup>\*\*</sup> و هم‌تای روسی او الکساندر ایسولسکی<sup>\*\*\*</sup> به موضوع وام مشترک انگلیس و روسیه به وارث تاج و تخت ایران در آغاز سپتامبر ۱۹۰۶ به عنوان ابزاری برای شروع مذاکرات مهم می‌نگریستند که در غیر این صورت امکان آن هرگز وجود نداشت. اعطای این وام مشترک ترفند و تدبیری بود که مضمث‌تر واقع شد. همچنین شرایط اولیهٔ گری برای مساعده، به نقشهٔ کلی او در مورد یک موافقتنامهٔ

\* British Documents on the Origins of the War 1898-1914

\*\* Sir Edward Grey

\*\*\* Alexandre Isvolski

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

احتمالی میان انگلیس و روسیه شکل بخشید و دستاویزی برای رسیدن به این هدف سنجیده بود که دولت روسیه متعهد به پیامدهای خاص چنین مذاکراتی است که گری در چنین راهی موفق نبود. گری قصد داشت دولت روسیه را به پیامدهای خاصی ملزم و متعهد سازد. او همچنین در نظر داشت که اگر قرار باشد مساعده یا وامی پرداخت شود، شرایط آن بایستی منافع انگلیس را به گونه‌ای تأمین کند که بتوان آن را همچون جانشینی کارآمد برای یک موافقتنامه انگلیس و روسیه گماشت، و بدین گونه روسیه نخواهد توانست به تعهدات خود عمل کند و سرانجام، از تمام تلاش‌هایی که در این راستا صورت می‌گرفت، می‌توان به عنوان سپر بلایی برای آلمان نام برد. این اصلی بود که ایسولسکی آن را به انگلیس گوشزد کرد، وزیر امور خارجه بریتانیا آن را به وزیر خارجه در امور هندوستان و نخست‌وزیر توصیه کرد و سپس وزیر خارجه در امور هندوستان آن را متوجه دولت هندوستان ساخت.

موضوع پرداخت وام مشترک به ولیعهد ایران و یا پرداخت وامی دیگر به دولت ایران، اذهان بسیاری را در آغاز سپتامبر ۱۹۰۶ متوجه خود ساخت و بسیاری از مشکلات به ظاهر لاینحل را به سرعت فیصله داد. کل این ماجرا که شامل دو رابطه سه‌جانبه با ابعاد مختلف بود - یکی بین وزارت خارجه بریتانیا، اداره امور هندوستان و دولت هندوستان و دیگری بین ایران، روسیه و آلمان - ده ماه پیش در دسامبر ۱۹۰۵ آغاز شد. برای آنکه به طور کامل به اهمیت این موضوع پی ببریم، لازم است با برخی از تحولاتی که از آغاز رخ داده، آشنا شویم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف) موضعگیریهای اولیه، دسامبر ۱۹۰۵ تا مه ۱۹۰۶

در اول دسامبر ۱۹۰۵ وزیر مختار بریتانیا در تهران، اولین گرنت داف\* طی تلگرافی به لندن اعلام کرد که صدراعظم، عین‌الدوله، درخواست یک وام ۸۰۰/۰۰۰ پوندی کرده و تأکید نموده که اگر دولت انگلیس پاسخی ندهد، او مجبور خواهد شد به دولت روسیه متوسل شود که به گفته او آماده است تا به ایران ۱/۰۰۰/۰۰۰ پوند قرض بدهد. هم لرد لندسون\*\* و وزیر امور

\* Evelyn Grant-Duff

\*\* Lord Lansdowne

خارجة بریتانیا و هم سرتوماس سندرسون،\* معاون دائم وزیر امور خارجه پرداخت وام در چنین مقیاسی را عملی ندانستند؛ برای سندرسون بسیار شگفت آور بود که روسیه می‌خواست مبلغ مذکور را فراهم سازد. هر دو معتقد بودند که دیدگاههای اداره امور هندوستان بایستی مشخص شود.

لندسون این موضوع را طی جلسه‌ای که در ۱۱ دسامبر داشتند، به خوبی به وزیر امور خارجه جدید، سر ادوارد گری، یادآوری کرد. به هر تقدیر، گری از همان آغاز انتصاب خود به عنوان وزیر امور خارجه، این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و این موضوع نخستین موضوع مورد توجه وی بود. در ۱۸ دسامبر گری با خواندن خلاصه مذاکرات کمیته دفاع سلطنتی با اوضاع و احوال ایران آشنا شد. وی سپس در این باره بر حسب سود و زیان‌های پرداخت وام، پیش‌نویس قراردادی را تنظیم کرد. در تمامی حالات زیان بیش از سود بود. گرچه امکان سلطه بر بنادر جنوبی ایران وجود داشت، ولی حقوق گمرکی آن بنادر در آن زمان بخشی از وثیقه‌های وام‌های قبلی بود. همچنین امکان دستیابی به حقوق راه‌آهن جنوب ایران وجود داشت، اما این خطوط راه‌آهن برای اوضاع و احوال نظامی نامناسب بودند و مشخص نبود که آیا به درد شرایط تجاری می‌خورند یا خیر. گرچه ممکن بود تجارت رونق پیدا کند ولی مشخص نبود که آیا منافع تجاری از دیگر اهداف برتر خواهند بود یا خیر. دلیل دیگر وام دادن - برای ممانعت از اینکه روسیه این کار را در شرایطی انجام دهد که به سود خود و به زیان بریتانیا تمام شود - با این عقیده گری با مخالفت مواجه شد که «روسیه به سختی می‌تواند در شرایط موجود پولی قرض بدهد». اگر بریتانیا پولی قرض می‌داد، تمام آنچه آن پول می‌توانست انجام دهد، به تعویق انداختن بحرانی بود که دولت ناتوان و عملاً ورشکسته آن زمان ایران گرفتار آن شده بود، و بنابراین پس از آن وام‌های دیگری مورد نیاز بود. در این مرحله گری دلیلی نمی‌دید که بحران در ایران به تأخیر بیفتد. یک وام سنگین نیز نمی‌توانست به طور کامل حلال مشکلات دولت وقت ایران باشد. اگر این وام داده می‌شد، طولی نمی‌کشید که بریتانیا پافراتر می‌گذاشت و ایران را عملاً به کشوری تحت‌الحمایه، حداقل در نواحی جنوبی، تبدیل می‌کرد و گری چنین افزایش

\* Sir Thomas Sanderson

مسئولیتی را موجه نمی‌دانست.

گری به هیچ وجه دوست نداشت که مسئولیت کامل تصمیم‌گیری در مورد موضوع وام را تقبل کند، از اینرو پیش‌نویس قرارداد خود را تقدیم وزیر خارجه در امور هندوستان، جان مورلی<sup>\*</sup> کرد. مورلی - که تنها چند روز پیش مشتاقانه منتظر بود که به مقام وزیر امور خارجه برگزیده شود - به طور کامل دارای همان نگرش گری بود و سود و زیان‌های پیش‌نویس قرارداد را در ۲۲ دسامبر در گزارشی رسمی به اطلاع نایب السلطنه هندوستان، لرد مینتو<sup>\*\*</sup> رساند. او نیز این موضوع را در اختیار مأموران خود در اداره امور هندوستان گذاشت و از آنجا که سمت کامل وی وزیر خارجه هندوستان در شورا بود، آن را به اطلاع اعضای کمیسیون سیاسی شورای هندوستان رساند.

لرد مینتو - که به تازگی به سمت نیابت سلطنت رسیده بود، اولین شخص در مقام پاسخگویی به شمار می‌رفت. در ۲۸ دسامبر او طی تلگرامی اعلام کرد که تمایل کلی شورای او استفاده از فرصت کنونی برای دستیابی به امتیازات بیشتر در جنوب ایران «بویژه با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و راهبردی مؤثر بر امنیت هندوستان» است. چنین بحث می‌شود که با وجود نابسامانی فعلی در ایران و روسیه، ما نمی‌توانیم در قبال امتیازات پنهانی که به روسیه در جنوب ایران، در صورت پرداخت وام روسیه به ایران، اعطا می‌شود، احساس امنیت کنیم و باید بدانیم که روسیه حتی بدون پرداخت وام جدید می‌تواند صرفاً با بخشیدن سود وام‌های قبلی به چنین امتیازاتی دست یابد. بسیار حائز اهمیت بود که از اعمال نفوذ دیگر کشورها در سیستان و جنوب ایران جلوگیری شود، زیرا در غیر این صورت بایستی هزینه‌های دریایی و نظامی سنگینی پرداخت می‌شد. کلیه امتیازاتی که اکنون در جنوب ایران به دست آمده بود، جلوی شانسی کشورهای دیگر را برای دستیابی به آنها می‌گرفت. تنها در صورتی که دولت جدید در لندن سیاست اعلام شده لندسون را در مجلس اعیان در ۶ مه ۱۹۰۳ دنبال می‌کرد، فرصت کنونی برای حفظ امتیازات از دست می‌رفت. سیاست مزبور در هندوستان بدین معنی بود که با هر تهدیدی برای منافع بریتانیا در سیستان و نواحی جنوبی ایران شدیداً مقابله خواهد شد.

\* John Morley

\*\* Lord Minto

بدین ترتیب دولت هندوستان در ازای اخذ چهار امتیاز حاضر به دادن وام شد. آنها تأکید کردند که از این چهار امتیاز دو مورد نخست اهمیت بسیار بیشتری دارد. این دو عبارت بودند از: الف) ساخت جاده‌ای از بندرعباس به بم از راه ریگان، بررسی‌های اخیر نشان داده بود که این جاده می‌توانست در صورت لزوم به راه‌آهن تبدیل شود؛ ب) تعهد به اینکه اگر در ساخت جاده، راه‌آهن، کانال و تلگراف در جنوب ایران نیاز به کمک کشورهای خارجی شد، این عمل به سرپرستی دولت بریتانیا صورت گیرد؛ منظور از جنوب ایران جنوب خط خاتقین - بیرجند بود. در این بین دیدگاه‌های گوناگونی در اداره امور هندوستان وجود داشت. سر آرتور گادلی،\* معاون وزیر دائم اداره امور هندوستان، در مورد شرط دوم دولت هندوستان - که در بالا ذکر شد - چنین نوشت:

این شرط که ساخت جاده و دیگر تأسیسات در جنوب ایران به سرپرستی دولت بریتانیا انجام خواهد شد، مطابق نظراتی است که قبلاً پذیرفته شده است. اما به نظر می‌رسد که تعریف جغرافیایی از جنوب ایران از حد خود تجاوز کند و این دیدگاه را به وجود آورد که ایران به حوزه‌های نفوذ مشخصی تقسیم شود که این دید پیامدهای گوناگونی را در بر خواهد داشت.

سر دنیس فیتزپاتریک،\*\* عضو شورای هندوستان از ۱۸۹۷ و عضو کمیسیون سیاسی آن شورا از اکتبر ۱۹۰۵، دارای همان تشویش و نگرانی گادلی بود. در ۳۰ دسامبر او مخالفت شدید خود را «در مورد مساعده یا هر اقدام دیگری که برای تأمین امنیت ما صورت می‌گرفت، اعلام کرده بود. به عنوان مثال، مخالف اقداماتی مانند ایجاد کشوری تحت‌الحمایه یا هر موضعی دیگر در جنوب ایران یا سیستان بود که قرار بود به هنگام ضرورت بدون تأمل اتخاذ کنیم».

از سوی دیگر سر هاگ بارنز،\*\*\* همکار فیتز پاتریک در شورا، که تا مه ۱۹۰۵ معاون نائب السلطنه فرماندار برمه بود - با پرداخت وام به ایران موافق بود. بارنز تاریخچه مذاکرات

\* Sir Arthur Godley

\*\* Sir Dennis Fitzpatrick

\*\*\* Sir Hugh Barnes

بریتانیا با ایران درباره وام را به عنوان تاریخچه فرصت‌های از دست رفته تلقی نمود: «هرگاه موعد تصمیم‌گیری در مورد این موضوع فرا می‌رسید، ما جرأت پرداخت وام سنگین را نداشتیم و این در حالی بود که ما همواره با غبطه و ناراحتی به سلطه و نفوذ رقبای روسی خود - که به واسطه سیاست شفاف‌تر آنها به دست آمده بود - می‌نگریستیم». با این اوضاع چنانچه تلگرام دولت هندوستان در ۲۸ دسامبر را به خاطر بیاوریم، در طول دوران وزارت لنسدون، دولت بریتانیا هشدار داده بود که با توسل به زور از منافع خود در خلیج فارس یا نواحی جنوبی ایران دفاع خواهد کرد، اما بارنز معتقد بود که پیشگیری بهتر از درمان است و شرط عقل آن است که با به انحصار درآوردن حقوق و امتیازاتی در جنوب ایران، از واگذاری آنها به روس‌ها جلوگیری شود، تا اینکه اجازه دهیم شرایط به سویی سوق داده شود که ما تنها با خطر جنگ بتوانیم خود را از آن برهانیم. وی در ادامه گفت که روسیه تاکنون هیچ‌گاه برای به دست آوردن پول برای اهداف سیاسی با شکست مواجه نشده است:

گرچه این کشور در شرایط سختی است، اما برای همیشه یا برای مدت طولانی در این شرایط به سر نخواهد برد. از قدرت شفابخش عظیمی برخوردار است و به گفته صدراعظم این کشور در دسامبر برای پرداخت یک وام یک میلیون و نیمی مشروط آمادگی دارد. در این صورت روسیه از هدف خود، یعنی پیشی گرفتن از ما، چشم‌پوشی نخواهد کرد و خسارتی که ما در نتیجه آن متحمل خواهیم گشت، آنست که احتمالاً به این کشور امتیازاتی واگذار خواهد شد که غیر ممکن است بتوانیم بعدها به آنها دست یابیم. چنانچه ما با رد کمک مالی ایران را آزرده و ناراحت سازیم، خطر اعطای امتیازات مهم به روسیه بسیار جدی خواهد بود. بارنز فکر می‌کرد که انگلیس قبلاً قول اعطای وام ۱۵۰/۱۰۰۰ پوندی را داده و در عوض تعهد کرده بود که ساخت تمام خطوط راه‌آهن در جنوب ایران از جمله سیستان بایستی تا آنجا که نیاز به همکاری خارجی باشد، به سرپرستی دولت بریتانیا صورت گیرد. او از این نگران بود که اگر اکنون مبلغ بیشتری درخواست شود و با آن مخالفت شود ایران به وامی که قبلاً قولش داده شده بود، جواب رد می‌داد و امتیازات به دست آمده از دست می‌رفت. بارنز با استناد به گزارش‌های مکرری از گذشته خاطر نشان کرد که در گذشته روسیه بر آن بوده که کنترل املاک

سلطنتی در سیستان و عواید آن ولایت را به عنوان ضمانتی در قبال وام به دست گیرد و از اینرو توصیه به پیشی جستن بر روسیه کرد. او یکی دیگر از دلایل توجیهی پرداخت وام را چنین بیان کرد:

پس از آنکه روسیه بیشتر فارغ البال گشت، هنگامی که دولت اعلیحضرت بر آن شد که از جهاتی با آن کشور به تفاهم رسد، به گونه‌ای که به منافع ما در شرق احترام بگذارد، زمان مناسب فرا رسیده است. امکان ایجاد این گونه روابط دوستانه در تشریفات بریتانیا و روسیه به بحث گذاشته شده است. هنگامی که این زمان فرارسد، هر آنچه که ما بیشتر کنترل و اختیار داشته باشیم، از موضع برتری برای معامله برخوردار خواهیم بود. در چنین شرایطی قاعده مالکیت، نه دهم قانون است تا حد زیادی مصداق پیدا می‌کند، زیرا هر تفاهمی قطعاً مبتنی بر حفظ وضع موجود خواهد بود. بنابراین آیا ما نبایستی بکوشیم تا فرصت هست تمام امتیازات ممکن را به دست آوریم؟

بارنز در پایان گفت که نه تنها هیچ زیان مالی وجود ندارد، بلکه اعطای وام ایمن‌تر از ندادن آن است: «مورد نخست در بدترین شرایط خود تنها می‌تواند به مشاجره مالی ما با ایران بینجامد، ولی دومی به طور قطع دیر یا زود باعث رویارویی جدی ما با روسیه خواهد شد». فرصت کنونی برای تقویت موضع بریتانیا، چیزی است که تنها برای ما پیش آمده و ممکن است دیگر هم به دست نیاید. با این همه، بارنز در مورد استقبال از شرایط دولت هندوستان در ۹ ژانویه گفت که لازم بود به ساخت راه‌آهن در جنوب ایران و سیستان، ساخت کانال و جاده نیز افزوده شود.<sup>(۱)</sup>

سردیس فیتزپاتریک فوراً به تقابل با سخنان بارنز برخاست و از موضع دیگری چنین سخن گفت که هم او و هم گری مخالف اقداماتی هستند که ممکن است منجر به یک کشور تحت‌الحمایه بریتانیا شود. وی در پاسخ به این پیشنهاد بارنز که چنان مسؤلیتی بر عواید املاک در سیستان اتخاذ شود که روسیه یا هر کشور دیگری نتواند آنها را تصاحب کند، به این نکته اشاره کرد که «در صورت عدم حضور غیر ممکن خواهد شد که با جمع‌آوری عواید امنیت خود را حفظ کنیم، مگر آنکه بتوانیم تا حد قابل ملاحظه‌ای دولت آن کشور را تحت نفوذ خود درآوریم و



## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

برای تحقق این امر نیز بایستی نیروهایی وارد این کشور کنیم تا ما را در تحقق این امر کمک کنند». او نمی‌توانست از آن پیشنهاد حمایت کند «مگر آنکه رسماً ذکر می‌شد که قرار نیست ما خودمان حقوقی را که ممکن است در سیستان برای کسب درآمد داشته باشیم، به موقع اجرا بگذاریم». اگر چیزی در این خصوص ثبت نمی‌گردید، این خطر وجود داشت که «اگر آنهایی که روزی پس از ما می‌آیند بخواهند زمام سیستان را به دست گیرند، افسرانی را به پشتیبانی سربازان در آنجا مستقر خواهند کرد تا عواید را جمع‌آوری کنند و می‌گویند که با انجام چنین کاری آنها تنها به قراردایی عمل می‌کنند که توسط ما وضع شده است».

با وجود این، سه عضو دیگر کمیسیون سیاسی هفت نفره از اعطای وام حمایت کردند. اسامی این افراد سر جان ایچ،\* سرتیپ سر آر. بدکوک\*\* و سر دیوید بار\*\*\* می‌باشد. آج که از نوامبر ۱۸۹۸ عضو کمیسیون قضایی و عمومی این شورا بود، عنصر و همچنین قدرت دیگری را وارد این معادله کرد:

به نظر من بسیار به نفع ما خواهد بود که در صورت امکان جلوی این شانس ایران را بگیریم که در حال حاضر پول بیشتری از روسیه قرض بگیرد. زمان برای ما بسیار مهم است. ما با اسلحه نمی‌توانستیم از سلطه روسیه بر ایران جلوگیری کنیم. اما من پیش‌بینی می‌کنم که در آینده‌ای نه چندان دور آلمان در ایران صاحب منافع خواهد شد که اگر ایران در عمل به یکی از ایالت‌های روسیه تبدیل شود، آن منافع نابود خواهند شد؛ و هنگامی که منافع تجاری آلمان در ایران توسعه یابد، روسیه با آلمان نیز مانند ما رفتار خواهد کرد. در خلیج فارس آلمان عملاً نمی‌توانست بدون همکاری ما اقدامی بر ضد روسیه و همچنین بر ضد ما انجام دهد، اما آلمان قادر بود آن چنان فشاری را در اروپا بر روسیه وارد سازد که از تسخیر ایران به دست روسیه جلوگیری کند.

تنها عضو کمیسیون سیاسی که ابراز عقیده نکرد، سر. ولی - وارنر بود که از ۱۸۹۵ تا

\* Sir John Edge

\*\* Sir A.R. Badcock

\*\*\* Sir David Barr

۱۹۰۲ سمت دبیر سازمان سیاسی و جاسوسی ادارهٔ امور هندوستان را بر عهده داشت. در ۱۷ ژانویه او از فیتزپاتریک جانبداری و با بقیه مخالفت کرد. به نظر او وام‌ها هیچگاه ثمربخش نبوده‌اند و کار لرد کرزن در اکتبر ۱۹۰۱ برای اعطای این وام‌ها اشتباه بوده است. تجاوز روسیه به افغانستان مقوله‌ای بود که می‌بایست با آن مخالفت می‌شد و حمله و دست درازی روسیه به ایران مقوله‌ای کاملاً متفاوت بود که تنها در سطوح دیپلماتیک می‌شد با آن مقابله کرد: چنانچه مساعده‌های ما به ایران به راستی صرف بهبود وضعیت اداره و سرپرستی ایران می‌شد، قضیه فرق می‌کرد، اما این کمک‌ها صرفاً به ولخرجی‌های دربار افزودند و لزومی ندارد که ما با موانع مالی دیگری که آنها در پیش روی ایران به وجود می‌آورند مخالفت دیپلماتیک خود را در مورد تخطی روسیه توجیه کنیم.

لازم بود کمیسیون سیاسی جلسات متعددی را در ماه ژانویه تشکیل می‌داد تا اختلافات کسانی را حل کند که این موضوع را فرصت خوبی برای به دست آوردن سلطهٔ بیشتر بر ایران یا دست کم مانعی بر سر راه تحکیم نفوذ روسیه می‌پنداشتند و همچنین موافق نگرش سر ادوارد گری و وزارت امور خارجه بودند و مورلی پس از مشورتی دوباره با گری چنین نوشت:

با ملاحظهٔ دقیق و با استناد به دلائلی موثق در این مورد که احتمالاً اعطای وام از سوی جوانب دیگر تا مدتها صورت نخواهد گرفت، مصمم گشتم به اطلاع دولت هندوستان برسانم که دولت اعلیحضرت نمی‌تواند با وام پیشنهادی موافقت کند...

گفتنی است با توجه به آنچه بعداً به آن اشاره خواهیم کرد، منظور گری و مورلی از عبارت «جوانب دیگر» روسیه بوده است. طی ماه ژانویه گری از کاردار انگلیس در سن پترزبورگ، سسیل اسپرینگ - رایس، این خبر را دریافت کرد که موضوع پرداخت وام روسیه به ایران در دست مذاکره است. این خیر از وزیرمختار ایران در آنجا به دست آمده بود. به نظر اسپرینگ - رایس این موضوع برای روسیه، با توجه به موقعیت مالی کنونی‌اش، اقدامی در خور توجه بود، اما وی در ادامه گفت که «با توجه به دولتی که در آستانهٔ عقد صلح با ژاپن کمیته‌ای را برای بررسی

موضوع مقررات جنگل در شبه‌جزیره لیاوتونگ\* منصوب کرده، نمی‌توان این ایده را شگفت دانست». تفکرات ۱۸ دسامبر گری با این مسأله دگرگون نشد. افزون بر این گری اندیشه دیگری در سر داشت، یعنی وقتی مورلی این گونه به اطلاع نایب السلطنه رساند که: «ممکن است بهتر باشد ما در موعد مقرر به یک تفاهم کلی با روسیه برسیم. آنچه جلوی این هدف را می‌گیرد این است که ما بخواهیم از برگ برنده خود در برابر روسیه برای رسیدن به اهدافمان سوءاستفاده کنیم.

به هر حال، طی یک هفته گری تصمیم گرفت که تا حدی به خود اطمینان خاطر دهد. او دست به اقدامی زد که هم در مورد برهم زدن اوضاع ایران توسط روسیه احتیاط‌آمیز به شمار می‌رفت و هم طوری طراحی شده بود که به عنوان ابزاری برای بهبود سیاست برقراری روابط دوستانه با روسیه بود - سیاستی که وی از ابتدای ورود به وزارت خارجه مدافع آن بود. او مخالفت خود را در زمینه فتح باب اخیر با ایران به اطلاع لامسدورف،\*\* و وزیر امور خارجه روسیه، رساند و ابراز امیدواری کرد که دولت روسیه به وسیله همان روحی زنده شود که به انگلیس جان بخشید و در پایان گفت که اگر دولت روسیه مصمم شود تا به هر گونه فتح‌بابی که از جانب ایران دریافت می‌کند، پاسخ مثبت دهد و بخواهد که این موضوع را با هماهنگی با دولت بریتانیا انجام دهد، بریتانیا حاضر است تا در این باره از در دوستی باب مذاکره را بگشاید. کاملاً در همین راستا بود که در هفتم فوریه، وزیر مختار ایران در لندن گفت که لرد لندسون در ژوئیه ۱۹۰۵ قول اعطای وامی به مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ پوند را داده و بیان کرده که آیا این مبلغ کافی است یا خیر. به نقل از گری «چنانچه ما مجدداً در محضه قرار گیریم، به نظر من بایستی به دولت روسیه این فرصت را بدهیم که در دادن این وام یا ما شریک شود».<sup>(۲)</sup>

با وجود فشار از جانب ایرانی‌ها و دیگران برای فاصله گرفتن گری از این موضع، که آستن حوادث سپتامبر بود، وی همچنان بر موضع خود راسخ ماند. او به درخواست اواخر ماه فوریه شرکت آقایان لینچ\*\*\* - که به شرکت هدایت کشتی بخار دجله و فرات\*\*\*\* نیز معروف بود - توجهی نکرد؛ این درخواست در راستای پیشنهاد سر هاگ بارنز و مبتنی بر این بود که بایستی

\* Liaotung

\*\* Lamsdorff

\*\*\* Messrs Lynch and Company

\*\*\*\* Euphrates and Thgris Steam

تلاش فراوانی به کار بسته شود تا جلوی نفوذ روسیه در تهران گرفته شود.<sup>(۳)</sup> وزیرمختار پیشین در تهران، سرهنری دروموند-ولف،\* طی بازدیدی که شخصاً از وزارت امورخارجه در اوایل فوریه به عمل آورده بود، اعلام کرد که گروهی از سرمایه‌داران انگلیسی مایلند ۴ میلیون پوند مساعده به ایران بدهند تا دولت ایران بتواند تمام قروض خود را به روسیه بپردازد، زیرا در غیر این صورت ایران مجبور خواهد شد کمک مالی بیشتری از روسیه بگیرد. سرمایه‌گذاران انگلیسی دروموند-ولف می‌خواستند بدانند که دولت انگلیس چه حمایتی از آنها خواهد کرد. هنگامی که او فرصت پرداختن به این موضوع را پیدا کرد، گری به سادگی نوشت: «اگر ما قصد داشته باشیم جنوب ایران را از آن خود کنیم، این مسأله ارزش انجام خواهد داشت، در غیر این صورت خیر... من دوست ندارم که سرگرم این نقشه شوم». با وجود این تهدید که اگر دولت بریتانیا آمادگی پرداخت وام به ایران را نداشته باشد، دولت ایران به روسیه متوسل خواهد شد، ولی باز هم در ماه مارس یکی دیگر از درخواست‌های ایران رد شد. هنگامی که گری در ۱۹ مارس سعی داشت تا سفیر روسیه، گنت بنکندورف\*\* را به ایجاد روابط حسنه بین انگلیس و روسیه راغب سازد، به طور غیرمستقیم به این موضوع اشاره کرد. او گفت: «به هر تقدیر، ما تمام سعی خود را انجام داده‌ایم تا درهای سازش را باز نگاه داریم و با وجود اینکه ما در این اواخر در فشار بودیم تا به دولت ایران وام بدهیم، نپذیرفتیم، زیرا نمی‌توانستیم بدون وضع شروطی برای تغییر وضعیت در ایران، این وام را بدهیم.

ماه مه آستان چند رویداد مهم بود که عبارتند از: سکنه مغزی شاه ایران (گرت - داف این حادثه را در ۱۵ مه گزارش کرد) که او را تا اندازه‌ای علیل ساخت و باعث تسریع در جلوس ولیعهدی شد که در هواداری از روسیه شهرت داشت؛ استعفای لمسدورف از مقام وزارت امورخارجه روسیه؛ و خبر قریب‌الوقوع بودن وام آلمان به ایران. توجه او به این حوادث نشان می‌داد که گری افکار خود را از دسامبر ۱۹۰۵ در مورد توانایی روسیه برای اعطای وام به ایران تغییر داده است. همچنین آنها به او این فرصت را دادند که او تا اندازه‌ای سیاستی را که تا آن زمان در پیش گرفته بود، ارتقاء دهد.

\* Sir Henry Drummond-Wolff

\*\* Count Benckendorff

در ۹ مه گرنٹ داف طی تلگرافی - که اطلاعات آن را از کاردار فرانسه در تهران، کُنْت دپشیه لوموگن،\* دریافت کرده بود- گفت که آلمان به پشتیبانی سرمایه‌داران بلژیکی قرار است ۲۵ میلیون مارک به ایران قرض دهد و در برابر آن امتیاز بهره‌برداری از یک معدن زغال سنگ در نزدیکی دهانهٔ ارونْد رود، جادهٔ حدفاصل بین خانقین و کرمانشاه و همچنین حق سرپرستی دانشکده و بیمارستانی در تهران توسط آلمانی‌ها را از آن خود کند. پیام تلگرافی گرنٹ - داف مبحثی را بین سر چارلز هاردینگ، معاون دائم وزیر امور خارجه و جانشین سنْدرسون، و سر ادوارد گری به راه انداخت که در اینجا به بخشی از آن اشاره می‌شود:

هاردینگ: من فکر نمی‌کنم ضرری داشته باشد که بدون ذکر شرایط یا اشاره به طرح معدن ذغال سنگ، احتمال اعطای وام از سوی آلمان به ایران را به اطلاع کنت بنکندورف برسانیم. احتمالاً روسها فوراً برای جلوگیری از پرداخت این وام اقدام خواهند کرد. گری: بله، اما آنها ممکن است خود این وام را پرداخت کنند. من هر چه زودتر بنکندورف را خواهم دید. فکر می‌کنم بتوانم چیزی به او پیشنهاد دهم.

روز بعد، یعنی ۱۱ مه، گری به بنکندورف پیشنهاد کرد که به عنوان راه‌حلی موقت، انگلیس و روسیه مشترکاً به ایران وام بدهند، صرفاً به این خاطر که اوضاع به حالت خود باقی بماند تا بتوانیم برای کل این ماجرا چاره‌ای بیندیشیم. اگر چه مورلی کمی تردید داشته ولی او این تردید را تا این حد در خود فرو برد که به آگاهی دولت هندوستان برساند که پیشنهاد شده تا به درآمد ۵۰/۰۰۰ پوندی هندوستان - که گمان می‌رفت کافی باشد - دل بسته شود. دولت هندوستان هیچگونه مخالفتی از خود نشان نداد. در واقع دولت هندوستان چنین می‌پنداشت که در صورت جلوس ولیعهد - که بنا به گزارش‌های واصله گرایش شدیدی به روسیه داشت - دستورالعمل‌های مربوط به اعطای وام به حاکم جدید بایستی به دفتر نمایندگی سیاسی در تهران ارسال شود که در این صورت منافع هندوستان در ایران به بهترین نحو ممکن محفوظ می‌ماند. در ۲۳ مه ایسولسکی، وزیر امور خارجهٔ جدید روسیه، بیان کرد که او کاملاً با پیشنهاد ۱۱ مه

---

\* Count d'Apchier Le Maugin

گری موافق است. ضمناً او اشاره کرد در صورتی که وضعیت جسمانی شاه روبه بهبود رود، دلیلی نیست که اقدامات جدی صورت گیرد.

آشکار شدن انگیزه اصلی گری از پیشنهاد وام مشترک - ترس او از اینکه در غیر این صورت امکان دارد روس‌ها خودشان این پول را قرض دهند - نشان می‌دهد نوشته‌های مانگر\* در این زمینه - که صرفاً مبتنی بر اسناد محرمانه بود - کاملاً اشتباه بوده است.<sup>(۴)</sup> اداره امور هندوستان بعدها در مورد دلیل اصلی این جریان چنین گفت:

با توجه به وضع سلامتی شاه و آشفتگی‌هایی که احتمال داشت پس از مرگ او به وجود آید، وزارت امورخارجه در مه ۱۹۰۶ پیشنهاد داد که وامی در اختیار وارث مطلق قرار گیرد... تا او بتواند بر مشکلاتی که برای جانشینی در پیش رو دارد فائق شود. این پیشنهاد در پی تبادل نظر با روسیه مطرح شد؛ هر دو دولت در پی آن بودند تا جلوس بی‌دغدغه و لیبعهد پس از مرگ شاه را تضمین کنند... واقعیت دیگر این بود که در اواسط آوریل، نمایندگان بانک‌های فرانسه، بریتانیا، آمریکا، هلند و روسیه بزرگترین وام خارجی را که تا آن زمان به دولت روسیه داده شده بود - مبلغ خالص ۸۴۵ میلیون روبل - به امضاء رساندند. گری خود نیز لرد رولستوک،\*\* از مؤسسه بیرینگ برادرز\*\*\* را تشویق کرده بود تا در این وام شرکت جوید.<sup>(۵)</sup> چنانچه روس‌ها تصمیم می‌گرفتند که به تنهایی به ایران وام دهند، این امکان وجود داشت که پول‌هایی که توسط مؤسسات مالی متکی بر انگلیس تأمین می‌شد، سواى پولی که در آن هنگام در اختیار روسیه بود، در راستای این هدف به کار رود.

#### ب) تعیین شرایط

تشویق مؤسسه بیرینگ برادرز برای مشارکت در اعطای وام به ایران یک اقدام مزورانه و شاید زیرکانه‌ترین عملی بود که گری در راستای حل مناقشات بریتانیا و روسیه انجام داد. برای

\* G.W. Monger

\*\* Lord Revelstoke

\*\*\* Baring Brothers

نیل به این هدف، گری می‌بایست سه دسته را متقاعد می‌ساخت: اعضای کابینه خود و بویژه مورلی در اداره امور هندوستان؛ دولت هندوستان؛ و روس‌ها.

گری در هشتماد و پنجمین جلسه کمیته دفاع سلطنتی، در ۹ مارس ۱۹۰۶ اعلام کرد که طی دو هفته گذشته دولت روسیه «ابراز تمایل نموده تا بار دیگر باب مذاکره را با ما برای رسیدن به توافقی مانند آنچه ما با فرانسه درباره موضوعات مشترک المنافع دو دولت منعقد کردیم، بگشاید». این بیانیه تنها مبتنی بر نامه‌ای از اسپرینگ - رایس بود که در آن گفتگوش را با بنکندورف در سن پترزبورگ در اواخر ژانویه گزارش داده بود. از این موضوع چنین بر می‌آید که لمسدورف «اصولاً» طرفدار توافق بر سر موضوعات اساسی بود و تزار نیکلای دوم از این ناراحت بود که شاه ادوارد هفتم بایستی او را در روسیه ملاقات کند. بنکندورف پیشنهاد کرد که «مذاکرات در پشت پرده صورت گیرد و برقراری روابط دوستانه با خطوط و مشی‌های مشخص، پیش از هر چیز می‌تواند طی گفتگوهای شخصی بین فرمانروایان صورت گیرد».

بنکندورف به محض بازگشت به لندن در ۱۹ مارس به دیدار گری رفت و پیامی از لمسدورف را به او ابلاغ کرد که گری از آن چنین فهمید که دولت روسیه «احتمالاً راغب است ... روابط حسنه‌ای مانند آنچه ما با فرانسه داشتیم، برقرار سازد». گری تا آنجا که به طرف بریتانیایی این چنین توافقی مربوط می‌شد، بیان می‌کرد که «انتظار ما این است که آرامش در نواحی هم مرز با هندوستان حفظ شود». همانگونه که گری به اسپرینگ - رایس خاطر نشان کرد، «مشکل، تعیین شرایطی برای تضمین آرامش بود».

«تعیین شرایط»، مستلزم فرایندی طولانی و مشکل بود. این فرایند با گزارشی درباره ایران آغاز شد که لندسون از وزیرمختار، سرآرتور هاردینگ دریافت کرد. این گزارش - که هاردینگ آن را در پایان مأموریت خود در تهران تهیه کرده بود - بیش از همه به نفع گری بود و در ۳ ژانویه به دست گری رسید. هاردینگ در بخشی از گزارش با عنوان «رویکرد احتمالی روسیه و انگلیس» در صورت فروپاشی دولت ایران، رئوس سیاست دولت محافظه کار را بیان کرده بود. بر این اساس اقدام جداگانه روسیه پذیرفته نبود و چنانچه قوای روسیه به هر بهانه‌ای وارد آذربایجان یا خراسان می‌شدند، در مقابل، دولت هندوستان دست به اقدامی مشابه در سیستان یا خلیج فارس و یا هر دو می‌زد:

از آنجا که یکی از اهداف اصلی سیاست روسیه نفوذ به خلیج فارس و اقیانوس هند، با تبدیل تدریجی ایران به یک مصر روسی است، این گونه بر می آید که تصرف سیستان - که در مسیر مشهد به اقیانوس هند قرار دارد - یا بنادر مهم جنوب ایران توسط بریتانیا آن هدف را نقش بر آب و دولت روسیه را مجبور خواهد کرد تا با انگلیس در مورد قضیه ایران مذاکره کند و با ارائه پیشنهادی با آن کشور به توافق برسد.

با این همه، در صورت ایجاد تفاهمی احتمالی بین انگلیس و روسیه، هاردینگ مخالف هر گونه حوزه نفوذ بریتانیا و روسیه در ایران بود:

نظر شخصی من همواره این بوده که تنها اصل عملی برای توافق، تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ نخواهد بود، بدین معنی که دیر یا زود ایران از جنوب به کشوری تحت‌الحمایه انگلیس تبدیل شود و روسیه نیز به طور قطع از آرزوی دستیابی به اقیانوس آزاد دست بکشد که برای آن کشور نیز خوشایند نخواهد بود - بلکه راهبرد اساسی تعلیق برخوردهای دیپلماتیک است که از مدتها میانه دو کشور را در تهران بر هم زده است و تفاهمی است... که هر دو کشور بایستی به کمک هم موجودیت ایران را به عنوان کشوری بی طرف حفظ کنند، بدین ترتیب که طرحی از اصلاحات مالی و اداری را بر شاه تحمیل کنند به گونه‌ای که جلوی فروپاشی دولت شاهنشاهی ایران گرفته شده، یا دست کم در اوضاع و احوال کنونی آن را به تعویق بیندازد.

در ۳۰ دسامبر هاردینگ به اطلاع‌گری رساند که زمان این خبر فرا رسیده و خواست که در سال جدید به صورت خصوصی در این رابطه گفتگو کنند. گری دوست داشت او را ببیند، اما به سبب رقابتی که او بر سر انتخابات به آن دست زده بود، نمی‌توانست زمانی را برای این کار معین کند و معلوم نیست که آیا جلسه‌ای در این باره تشکیل شد یا خیر.

سرانجام گری پس از رجوع به اسناد و مدارک مرزی هندوستان درباره تشکیلات نظامی در انگلیس، تصمیم گرفت که وزیرمختار پیشین در تهران را برکنار کند. پیش‌نویس



دستورالعمل‌ها برای سر آرتور نیکلسون\* که قرار بود در اواخر مه به عنوان سفیر در سن پترزبورگ منصوب شود - نوشته شد و طرح حوزه‌های نفوذ احتمالی در ایران به صورت غیرمشخص و آزمایشی و برحسب خطوط افقی، عمودی یا ضربدری کشیده شد. دولت بریتانیا آمادگی داشت تا شاهد ایجاد یک نمایندگی تجاری روسیه در خلیج فارس باشد، مشروط به اینکه در آینده در مورد احداث پایانه راه‌آهن روسیه در بندرعباس یا هر نقطه دیگری در شرق بندرعباس بحث و گفتگویی نباشد. آنچه در این حین اهمیت داشت آن بود که استان سیستان و استانهای هم‌جوار با سرحد بریتانیا در بلوچستان به طور کامل حوزه نفوذ بریتانیا شناخته شود و روسیه در آینده در این مناطق دست به احداث راه‌آهن نزند.

اداره امور هندوستان در اواخر مه و اوایل ژوئن با مشاهده این گونه توافق‌های وزارت امور خارجه مخالفت‌هایی را از خود نشان داد. سر دنیس فیتزپاتریک آشکارا اعلام کرد که او شدیداً با این ادعا که ایران در حوزه نفوذ بریتانیا باشد یا پیشنهاد تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ بریتانیا و روسیه مخالف است. دلیل اصلی او برای مخالفت از این قرار بود:

چنانچه کشوری مانند ایران تجزیه شود، «حوزه‌های نفوذ» خود به خود به کشورهای تحت‌الحمایه قابل نفوذ توسعه خواهند یافت و در نتیجه طولی نخواهد کشید که ما عملاً برای نمونه سیستان را متصرف می‌شویم و روس‌ها خراسان را تصاحب خواهند کرد و به تدریج به مرز حوزه خود با موقعیت‌های نظامی، خطوط راه‌آهن و غیره نزدیک خواهیم شد. پس اگر ما با روسیه اختلاف پیدا کنیم و یا چنانچه او از این موقعیت برای حمله به ما استفاده کند، ببینید که چه پیش خواهد آمد. روسیه نه تنها به سمت هرات و مزارشریف پیشروی خواهد کرد بلکه به ما در سیستان نیز حمله خواهد کرد. در واقع، بعید نیست که در آغاز نبرد، سیستان صحنه اصلی جنگ باشد. از ایترو، درباره طرف هندی چه تدابیر مهمی از سوی ما اندیشیده خواهد شد؟ آیا ارتش کوچک ما برای هر دو صحنه نبرد کافی خواهد بود؟

\* Sir Arthur Nicolson

دلیل دیگر آن بود که مذاکره دربارهٔ حوزه‌های نفوذ، ایرانی‌ها را دشمن بریتانیا می‌ساخت - «هیچ چیز برای آنها این قدر منفور نبود که آنها ما را برای تقسیم اراضی آماده ببینند». به طور خلاصه هیچ چیزی مانند تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ بین انگلیس و روسیه، نمی‌توانست استقلال و تمامیت ایران را - که گفته می‌شد دولت اعلیحضرت در این باره اهمیت والایی کسب کرده - تضعیف سازد. گفتنی است که این موضوع با «همکاری مشترک، دو کشور برای توسعه و اصلاح ایران» کاملاً در تضاد بود.

کمیتهٔ سیاسی شورای هندوستان در ۱۹ ژوئن تشکیل جلسه داد و این گونه بر می‌آید که وزیر خارجه در امور هندوستان پیروز شد. در اوایل اوت باورهای گری بیشتر روشن شد تا آنجا که وی به نیکلسون گفت: «اگر روس‌ها در مورد ایران پیشنهادی غیرقابل پذیرش مطرح کردند، در این صورت به آنها اجازهٔ دسترسی به خلیج فارس را بدهد، اما دهانهٔ خلیج فارس را در حوزهٔ نفوذ خودمان قرار دهد».

### ج) مورلی در برابر دولت هندوستان

گرچه مورلی می‌توانست دیدگاه‌های وزارت امورخارجه را از طریق شورای هندوستان خود به طرز نسبتاً آسانی مطرح سازد، ولی او برای قبولاندن آنها به دولت هندوستان با مشکلات بسیاری روبه‌رو بود. لازم به یادآوری است که در آستانهٔ سال جدید دولت هندوستان می‌خواست از فرصت موجود سود برده، امتیازات بیشتری را در جنوب ایران به دست آورد. گفتنی است این کشور جنوب ایران را «کشوری واقع در جنوب خط واصل خانقین و بیرجند» توصیف کرده بود. مورلی طی مکاتبه‌ای با مینتو در ۱۶ ژانویه با دولت هندوستان وارد بحث شد. او ذکر کرده بود که شما در یک یا دو عبارت از سخنان خود به نیکی از وام ایران یاد کرده‌اید که به نظر می‌رسد به معنی درستی استفاده از بودجه‌های هندوستان برای طرح‌های گستردهٔ مرزی باشد. من ناخود آگاه به چنین سیاستی بدگمان هستم و یقیناً کابینه نیز احساس مرا خواهد داشت و لذا چنانچه ضرورت پیش آید مجلس عوام چنین احساسی را حتی شدیدتر خواهد داشت. مورلی در ۲۵ ژانویه به نکاتی پرداخت که در نامهٔ مینتو در ۲۸ دسامبر مطرح شده بود، به این مضمون که برخی از اقدامات روسیه دستاویزی را برای جنگ به وجود خواهند آورد: «پذیرش

چنین بیانیه‌ای صراحتاً کار بسیار بزرگی است و ما باید کمی به دوروبر خود نگاه کنیم». مینتو می‌کوشید مورلی را خاطر جمع سازد که او یک زمین‌خوار نیست، «و دولت هندوستان نمی‌خواهد در جنوب ایران به فتوحاتی دست یابد»، بلکه تنها قصد او آن است که جلوی استقرار نیروهای روسیه را در آنجا گرفته، همچنین از این احتمال جلوگیری کند که مبادا روزی روسیه در خلیج فارس بندری بسازد، زیرا این امر مستلزم افزایش بیشتر هزینه‌های دریایی است.

مورلی در آغاز ماه مارس مباحث دیگری را مطرح ساخت. او در مورد اهمیت «توجه به ملزومات سیاسی و راهبردی کل امپراتوری به تفصیل سخن گفت و ابراز داشت که از دولت هندوستان می‌خواهد از دیدگاهی جامع و وسیع به امور نگریسته شود». در ۱۱ آوریل او رونوشتی از گزارش‌گری را برای اسپرینگ - رایس فرستاد که شامل مصاحبه ۱۹ مارس وزیر امور خارجه آن زمان با بنکندورف بود - این مسأله «مؤید نظراتی بود که من هفته‌هاست پیوسته در نامه‌هایم به شما گوشزد کرده‌ام. بگذار وزارت امور خارجه شما دست از خرافات قدیمی بردارد و - به هنگام صحبت در مورد وام ایران و غیره - بداند که آنها در دنیایی مشحون از نوسان زندگی می‌کنند و سمت و سوی جریانهای بین‌المللی گاهی به سود خوب‌ها و گاهی به سود بدهاست».

با وجود این، دولت هندوستان شیوه‌های کشورگشایی خود را تغییر نداد. یکی از پاسخ‌های هند به فهرست عوامل جدید مورلی - که شامل تضعیف روسیه، مهم قلمداد کردن ژاپن و داشتن روابط حسنه با فرانسه، همپیمان روسیه می‌شد - آن بود که نامه‌هایی که به سلف مورلی، جان برادریک\* در فوریه ۱۹۰۴ و اوت ۱۹۰۵ نوشته شده، بیرون کشیده شود. در پایان بخشی از نامه اوت ۱۹۰۵ آمده است:

گرچه از بازبینی‌های اخیر روسیه راجع به سیاست‌گذاری‌های این کشور، که در خصوص توسعه آسیایی انجام داده، ممکن است پنداشت که احتمال پیشروی سیاسی و ارضی در خاک ایران کاهش یافته، اما ما به هیچ وجه خاطر جمع نیستیم که این قضیه پیامد عکس نخواهد داشت؛ زیرا با وجود ضعف و ناتوانی

\* St John Broderick

روز افزون در حکومت مرکزی ایران نمی‌توان نسبت به نشانه‌های فروپاشی که ممکن است در هر زمان به اغتشاش یا فاجعه‌ای جدی بینجامد، بی‌توجه بود. اداره امور هندوستان این موضوع را در ۲۷ مارس به اطلاع وزارت امور خارجه رساند و قرار شد که موضوع مذکور در کمیته دفاع سلطنتی مطرح شود. مورلی در ۲۳ مارس، به خاطر کمک به میتو، چکیده سیاستگذاری کابینه را بیان کرد و از نایب السلطنه و فرمانده کل ارتش هندوستان، لرد کیچنر\*، خواست که نظرات خود را در این باره بیان کند:

فرض بفرمایید شما با روسیه از جهاتی به تفاهم برسید - فرضی که ممکن است از حقیقت بسیار دور باشد - و همچنین فرض کنید که ما در مذاکره پیشی جسته‌ایم، در این صورت شما چه شرایطی را برای توافق به روسیه تحمیل خواهید کرد؟ منظور من از این شرایط بُعد نظامی، راهبردی و سیاسی قضیه است. آیا چیزی هست که این کشور به انجام یا انجام ندادن آن تن دهد... میتو نخست با بی‌اعتنایی گفت:

بیاید برای این منظور از همه ملاحظات کلی در مورد میزان ضعف کنونی روسیه یا شمار سالهایی که طول خواهد کشید تا این کشور اصلاح شود، صرف‌نظر کنیم؛ و همچنین مسأله یا موضوع بدقولی این کشور را ندیده بگیریم... لرد کیچنر برای ایجاد امنیت هندوستان (منطقی و عملی) چه شرایطی را برای روسیه قائل خواهد شد؟

میتو پس از مشورت با وزارت امور خارجه و کیچنر در ۲ مه پاسخ حساب شده‌تری ارائه داد. این بار دیدگاههای او - که توسط وزیر سرجورج کلارک، برای کمیته دفاع سلطنتی تلخیص شده - چنین بود:

(الف) تفاهم با روسیه هیچ سودی برای ما نخواهد داشت؛  
(ب) ساخت راه آهن روسیه، در خصوص دفاع هندوستان توازن را کاملاً به ضرر

---

\* Lord Kitchener

ما به هم زده است؛

ج) هدف راهبردی اصلی بریتانیا باید آن باشد که این کشور سلطه و نفوذ خود را بر خط کابل - قندهار حفظ کند؛ و

د) سرانجام اینکه ساخت خطوط راه‌آهن مرزی ما بایستی در صورت امکان با سرعت بیشتر ادامه یابد.

میتو مانند کیچنر می‌پنداشت تنها اصل برای توافق با روسیه آن است که روسیه باید برای خود «محدودیت قابل توجهی قائل شود» و در عوض نیز تنها ورودی تنگهٔ داردانل در اختیار این کشور قرار داده شود. او به عنوان روشی برای ایجاد روابط بهتر با روسیه، بر این باور بود که روسیه بایستی تشویق شود تا در بخش راه‌آهن بغداد، از بغداد تا خلیج فارس مشارکت کند تا بدین وسیله این خط‌آهن بین‌المللی گردد. نامه‌های ۱۲ و ۲۰ ژوئن تنها موضعگیری میتو را تقویت می‌کرد: برای او آشتی و تجدید رابطهٔ انگلیس و روسیه جذابیت زیادی نداشت؛ در حقیقت «اگر قرار باشد که با روسیه یک رابطهٔ دوستانه برقرار کنیم بهتر است با این کشور بر سر مواردی سوای آسیای مرکزی یا ایران به توافق برسیم».

تا این هنگام مورلی از دست دولت هندوستان بسیار ناراحت شده بود. منشی شخصی او در یادداشت‌های ۴ ژوئیه به «مشکلات زیاد خود در آشنا ساختن مورلی با موضع آنها و ... منافع مصلحتی مشاوره با آنها، حتی اگر او آنها را قبول نداشت» اشاره کرده است. با این همه قرار نبود که مورلی از دستور دادن به میتو کناره جوید. در ۶ ژوئیه او در نامه‌ای طولانی بر نایب السلطنه چیزهایی را مقدم دانست که آن را «ملاحظات کلی» نامیده است:

نخست، این که شما حجت می‌آورید، و من تا حدی می‌اندیشم، لرد کیچنر انجام می‌دهد، چنان که گویی سیاست ایجاد رابطه دوستانه با روسیه مسأله‌ای حل نشده است. این درست همان چیزی است که نباید باشد. دولت اعلیحضرت ... تصمیم گرفته تا آنجا که شرایط روسیه اجازه می‌دهد برای برقراری روابطی حسنه بکوشد. من به هنگام نوشتن به شما اغلب به اساس این مسأله اشاره کرده‌ام. چه آنجا خوب باشند چه بد، چه ما حق باشیم چه باطل، این سیاست ماست ... در واقع ایجاد رابطهٔ حسنه با روسیه که به چشم پوشی از آسیای

مرکزی می‌انجامد، نشانی تأثرانگیز برای دیپلماسی ما خواهد بود. به هر روی دولت اعلیحضرت تصمیم خود را گرفته و پذیرش آن بر عهده مأموران و افسران آنها در سراسر جهان است ...

مورلی بیان کرد که از گفته میتو مبنی بر این که دولت هندوستان بایستی پیشاپیش از قرارداد پیشنهادی با روسیه مطلع شود، «کمی ترسیده است»:

آیا نیکلسون در سخنان خود با ایسولسکی می‌خواهد به این بیندیشد که چگونه می‌توان این پیشنهاد را هم در وایت‌هال و هم در سیملا مطرح کرد؟ حقیقت مسلم آن است ... که این کشور نمی‌تواند دو نوع سیاستگذاری خارجی داشته باشد. دولت هندوستان در زمان کرزن و در زمان پیش از کرزن کوشیده که سیاست خارجی خاص خود را داشته باشد. به نظر من این شیخ خود را در پشت عبارت «مشورت کامل» پنهان کرده است.

مورلی در نامه‌ای که از کیچنر دریافت کرده بود، به عبارتی مشابه اشاره کرد. این عبارت چنین بود: «سیاست راه‌آهنی که ما و دولت اعلیحضرت پیوسته به دنبال آن بوده‌ایم». به نظر مورلی از این عبارت «تنها یک معنی استنباط می‌شد و آن این است که ما و دولت اعلیحضرت دو قدرت مستقل و در عین حال دوست به شمار می‌رویم»:

بدون وجود آشفتگی، تشویش و خطر هرگز نمی‌شد به چنین نگرشی در نمونه کرزن پی برد و لذا چنانچه سنجیده بیندیشیم همواره افراد شرور رؤیاهای یکسانی را در سر می‌پرورانند... شما نظرات خود را با صلابت بیان کرده‌اید. آنها ما را تغییر نخواهند داد. از اینرو مانند دیگر وزرایی که نمی‌توانند همکارانشان را زیر نفوذ خود قرار دهند، شما نیز با شرایط سازگار خواهید شد.

پس از آنکه میتو این گونه به باد انتقاد قانونی گرفته شد، کاملاً عقب نشست. او به مورلی گفت که وی «در خصوص لزوم نظارت مستقیم دولت اعلیحضرت بر روی روابط خارجی ما ... کاملاً موافق است» و خاطر نشان کرد که «هیچ کس بیشتر از من نمی‌تواند با این فرض مخالف باشد که دولت هندوستان بتواند آزادانه داعیه سیاست‌های خود را در سر پروراند».<sup>(۶)</sup>

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

علاقه منیتو برای عذرخواهی و عقب‌نشینی، بیش از واقعیت به چشم می‌آمد. در ماه اوت دولت هندوستان مخالفت خود را با پیشنهادهای وزارت امور خارجه و نیز انتقادات خود را از این پیشنهادها اعلام کرد، ولی از بیان جزئیات موضعگیری ترجیحی خود اجتناب کرد. از مکاتبه‌ای که با مورلی در ۳ سپتامبر صورت گرفته می‌توان دریافت که موضع دولت هندوستان در طول سال اصلاً تغییر نکرده است. در این مکاتبه - که کاملاً با رویکرد وزارت امور خارجه تضاد داشت - آمده بود که «طی گفتگوهای انجام شده در مورد حوزه‌های نفوذ ما در ایران، عدم گسترش نفوذ فعال روسیه در جنوب خط واصل قائن - خانقین به رسمیت شناخته شده است. در واقع تغییرات و اصلاحات دولت هندوستان شرایط را بدتر می‌ساخت، از این حیث که خط تقسیم آنها در ماه سپتامبر بسیار بلند پروازانه تر از خط تقسیم آنها در ماه ژانویه بود، چرا که قائن حدود ۷۰ مایلی شمال بیرجند واقع شده بودا به همین منوال هنگامی که در اواخر اوت به اطلاع دولت هندوستان رسید که آلمان‌ها علاقمند به احداث یک معدن زغال‌سنگ در جزیره هولول\* در خلیج فارس هستند، مقامات هندوستان پیشنهاد دادند که اقدامات بازدارنده‌ای هم از راه اعتراض به دولت آلمان و هم از راه دستور به فرمانده کل نیروی دریایی صورت گیرد.

### د) آلمان‌ها در ایران

ترس انگلیس از افزایش نفوذ روسیه در ایران، بویژه با اعطای وام به دولت ایران تا بدین جا به ثبوت رسید. این ترس با جانشین شدن ایسولسکی به جای لمسدورف در مقام وزارت امور خارجه روسیه کاهش نیافت. می‌توان در این باره به شواهدی به عنوان نمونه در اواخر ژوئیه و همچنین اوایل سپتامبر دست یافت؛ هنگامی که در ۲۶ ژوئیه سر آرتور هاردینگ - که اکنون سفیر انگلیس در بروکسل بود - طی تلگرافی اعلام داشت که م. امپین\*\*، یک سرمایه‌دار معروف بلژیکی، همین تازگی دعوتی از جانب م. نائوس\*\*\*، فردی بلژیکی - که مدیرکل گمرک ایران بود - دریافت کرده تا بر سر موضوع وام دو میلیون پوندی با دولت ایران مذاکره کند. این وام از جانب

\* Halul

\*\* M. Ampain

\*\*\* M. Naus

دولت روسیه پشتیبانی و تضمین شده بود و به گفته نائوس او می‌توانست آن را از راه حقوق گمرکی به دست آورد. گری به طور مختصر چنین پاسخ داد که «برخی از حقوق گمرکی وثیقه و وام‌های انگلیس هستند؛ آیا ما نباید برای آنکه آنها در جاهای دیگری وثیقه قرار نگیرند، قید و شرط قایل شویم؟ هنگامی که نیکلسون از ایسولسکی پرسید که آیا این گزارش اساسی دارد یا خیر، پاسخ منفی دریافت کرد. همچنین او اطلاعات نسبتاً ناراحت‌کننده‌ای به دست آورد - که آنها را در دفتر خاطراتش نوشت - به این مضمون که مشکلات مالی روسیه حل شده و دولت روسیه نیازی به پول ندارد. یکی دیگر از نشانه‌های ترس از وام روسیه هنگامی آشکار شد که گرت - داف طی گزارشی در اول سپتامبر اعلام کرد که ایرانی‌ها کنترل تلگراف مشهد را به روس‌ها واگذار کرده‌اند. گری معتقد بود: «ایرانی‌ها احتمالاً این امر را خودشان و بدون هیچ‌گونه فشاری از جانب روسیه انجام داده‌اند تا زمینه را برای دریافت وام از روسیه فراهم سازند...».

افزون بر ترس بریتانیا از وام روسیه به ایران، بریتانیا تا حدی نیز از این عصبانی بود که آلمان می‌کوشد تا پیش از آنکه بین انگلیس و روسیه قراردادی بسته شود، روابط تجاری و مالی خود را با دولت ایران گسترش دهد. در همان روز (۹ مه)، یعنی روزی که گرت - داف در مورد وام شایع شده آلمان به ایران تلگراف زد که سر چارلز هاردینگ به «یکی دیگر از نشانه‌های توجه آلمان‌ها برای آغاز سیاستگذاری فعال در ایران اشاره کرده»، کنسول انگلیس در هامبورگ، وود، به اطلاع وزارت امور خارجه رساند که شرکت استیم شیب هامبورگ - آمریکا در ماه اوت در خلیج فارس آغاز به کار خواهد کرد و به طور مرتب هر ماه خدمات دهی خواهد داشت. (نخستین قایق در ۲۲ اوت به مسقط رسید و فوراً به افسران آلمانی گزارش رسید که در بندرها و لنگرگاه‌ها کار تحقیق و تفتیش را انجام دهند). در اوایل ژوئن ه. ا. کرک،\* مدیرکل شرکت تلگراف هند و اروپا، به آگاهی اداره امور هندوستان رساند که دولت ایران موضوع کنترل خط تلگراف بین تهران و خانقین را با این شرکت در میان گذاشته است. کرک بسیار بعید می‌دانست که مقامات ایران این قضیه را مطرح کرده باشند و پیش خود می‌گفت که «آیا به آنها گفته نشده که چنین کاری از عهده این شرکت بر نمی‌آید». او چنین دریافت که «آلمان‌ها پس از دستیابی به تلگراف دریای سیاه از

\* H.A. Kirk



کنستانزا [در رومانی] تا قسطنطنیه (اسلامبول)، به فکر گسترش تلگراف به سوی شرق و تا تهران هستند». مکاتبه کرک در ۲۵ ژوئن به وزارت امور خارجه فرستاده شد. در ۱۰ ژوئیه آرتور هاردینگ تلگرامی از بروکسل به لندن فرستاد و چنین افشا کرد که دبیر اول هیأت دیپلماتیک ایران، میرزا حسن خان، از او پرسیده که آیا امتیاز بهره‌برداری از نفت توسط آقای داری می شامل حق انحصاری استفاده از نفت کل ایران است و در غیر این صورت آیا دولت بریتانیا می‌تواند حقوق انحصاری را به شرکتی انگلیسی بدهد، به گونه‌ای که این امتیازات با حقوقی که آقای داری می از آن برخوردار بود، یکسان باشد. میرزا حسن خان گفت که او در این رابطه پیشنهادهایی از سوی برخی سرمایه‌داران انگلیسی دریافت کرده است. هاردینگ حدس می‌زد که «اگر گفته‌ام درست باشد» این سرمایه‌داران «احتمالاً آلمانی‌ها هستند». او این شک و گمان‌ها را بار دیگر در قالب نوشته‌ای چنین ذکر کرد: «من گمان می‌کنم که بلژیکی‌ها زیر سلطه و سیطره آلمان عمل می‌کنند». در ۱۹ ژوئیه هاردینگ پس از بررسی بیشتر پذیرفت که تلفیق چندین مورد مانند زبان میرزا حسن خان، باعث می‌شود که چنین برداشت کرد که «دولت ایران احساس نیاز به کمک مالی آلمان داشته باشد و موقعیت و رابطه بلژیکی م. ناثوس - که در اسلامبول دارای روابط نزدیکی با م. استمریخ\* [سرکنسول آلمان در اسلامبول] است - می‌تواند به این همکاری لباس بلژیکی ببوشاند و بنابراین با «غیرسیاسی» شدن این قضیه، در اروپا شرکت‌های بلژیکی می‌توانند در مورد آن مذاکره کنند. به زعم او از آنجا که با یک وام همیشگی مخالفت شده، وام سنگینی از سوی سرمایه‌داران بلژیکی یا آلمانی پرداخت خواهد شد و در برابر، پس از آنکه توافقنامه سه ساله روسیه با ایران در خصوص راه‌آهن منقضي شد، امتیاز امتداد راه‌آهن بغداد از خاتقین تا تهران یا امتیازات و حقوق انحصاری دیگری از ایران گرفته خواهد شد: «این منافع ممکن است ابتدا به یک سندیکای بلژیکی داده شود که بعدها به راحتی بتواند منافع خود را با منافع راه‌آهن بغداد یا بانک آلمان، مالک حق انحصاری نفت در عراق عرب منطبق سازد». در ۲۶ و ۲۷ ژوئیه هنگامی که نماینده شرکت آقایان روچیلد\*\* در بروکسل با هاردینگ از رویکرد ناثوس با امپین گفتگو کرد، این شایعات برطرف شد. این شایعات هنگامی بیشتر رخت بریست

\* M. Stemrich

\*\* Messrs Rothschild

که در ۲ اوت هاردینگ به این نتیجه رسید که پرس و جوهای ۱۰ ژوئیه میرزا حسن خان پیش از هر چیز مربوط به انتقال امتیازات ویژه نفت در گیلان و مازندران توسط وزیرمختار ایران در بروکسل به یک شرکت آمستردامی بوده است.

در این حین در خبری از گرت - داف به تاریخ ۱۸ ژوئیه - که در ۷ اوت به وزارت امورخارجه رسید - آمده بود که کاردار آلمان در تهران، بارون فون ریچتوفن،\* از او پرسیده که آیا شرکت‌های انگلیسی می‌خواهند امتیاز ساخت جاده اصلی بین اصفهان و بوشهر را به دست آورند و چنانچه پاسخ منفی باشد او می‌خواهد که این قضیه را با دولت آلمان در میان گذارد تا بدین ترتیب شرکت‌های آلمانی بتوانند در ایران دست به فعالیت بزنند.

تعجب‌آور نیست که بریتانیا تا اندازه‌ای از دست آلمان‌ها عصبانی شده بود. هنگامی که خبر حمله به نماینده زیگلر\*\* در یزد به گوش‌گری رسید، او این عصبانیت را در ۲۹ اوت چنین بیان کرد: «به نظر من شرکت زیگلر شرکتی آلمانی است». چند روز بعد گری در حضور مورلی اظهاراتی مشابه بیان کرد که بیش از همه نمایانگر اندیشه او در مورد هدف نیروی دریایی آلمان بود:

... راه‌حل مشکل دیپلماسی آلمان آن است که از برقراری رابطه دوستانه سه‌جانبه بین انگلیس، فرانسه و روسیه جلوگیری کند. سیاست‌گذاری این کشور در جهت گسترش بازرگانی است. رقیب اصلی آلمان در این عرصه انگلیس می‌باشد. برای تضعیف انگلیس، آلمان تا آنجا که بتواند از روسها و ترکها کمک خواهد گرفت. این کشور به ناوگان خود خواهد افزود تا به بازرگانان خود جسارت دهد. ...

آرتور هاردینگ در ۱۹ ژوئیه، هنگامی که حدس زد دولت ایران به کمک مالی آلمان نیاز دارد، چنین نوشت: «اینکه دولت آلمان تا چه اندازه می‌تواند با چنین نقشه‌ای موافقت کند، موضوعی است که البته من شایسته نیستم تا درباره آن سخن بگویم». در واقع دولت ایران در آغاز ژوئن نزد دولت آلمان تقرب یافته بود. حسین خان پسر و منشی خصوصی وزیر امورخارجه ایران، مشیرالدوله به ریچتوفن، کاردار آلمان در تهران در این باره گفت که دولت ایران

\* Baron Von Richthofen

\*\* Ziegler

افزون بر تأسیس یک بانک آلمانی در ایران خواستار وام گرفتن از چنین بانکی نیز هست. ریچتوفن کاملاً می‌دانست که ایرانی‌ها صرفاً علاقمند به بعد تجاری قضیه نیستند، بلکه آنها بیشتر دوست دارند که آلمان را در سرنوشت ایران سهیم سازند، به گونه‌ای که اگر زمانی انگلیس و روسیه خواستند ایران را تصرف کنند و حکومت شاه تهدید شد، ایران بتواند به آلمان متوسل شود. ریچتوفن تمام این ماجرا را به اطلاع بولو،\* صدراعظم آلمان رساند و از او در خصوص پذیرش یا رد این پیشنهاد راهنمایی خواست. او پیام خود را با طرخی در این راستا به پایان رساند. این خبر در ۱۶ ژوئن به برلین رسید. ریچتوفن اجازه یافت تا به پیشنهاد ایران پاسخ دهد و تا پایان ماه پیش‌نویس قرارداد میان آلمان و ایران تنظیم شد که متن آن مانند یادداشت اصلی ریچتوفن بود. این قرارداد در اول ژوئیه به امضا رسید، اما تاریخ آن جلوتر و به ۲۵ مه کشیده شد. این گونه توافق شد که ماهیت این قرارداد به مدت شش ماه افشا نشود.

نگرش برلین در پایان ژوئیه بسیار شفاف شد؛ در این هنگام وزیر امور خارجه، چرسچکی،\*\* کشفیات خود را به اطلاع کوهن،\*\*\* سفیر آلمان در سن پترزبورگ، رساند. از آنجا که این امتیاز می‌بایست تا اول ژانویه ۱۹۰۷ سری می‌ماند، هیچ قراردادی با بانک‌های آلمانی بسته نشد و معلوم نبود که آیا انجمن مالی آلمان آمادگی بهره‌برداری از این امتیاز را دارد یا خیر. چرسچکی به وضوح بیان کرد که سیاست آلمان در ایران تغییر نخواهد کرد - این سیاستگذاری تنها در مورد اهداف اقتصادی بود و ربطی به اهداف سیاسی نداشت. او به کوهن دستور داد که روس‌ها را، به خاطر اعتماد بیشتر، نسبت به هر دو نوع سیاستگذاری آلمان و همچنین نسبت به قراردادی که با ایران به امضاء رسیده، آگاه سازد. خواسته او آن بود که در نتیجه این عمل محافل رسمی روسیه ظنن نخواهند شد که آلمان در پی تغییر سیاستهای خود در قبال ایران است. در ۳۱ ژوئیه بولو به ریچتوفن دستور داد که کاملاً همچون یک ناظر عمل کند.

در ۱۱ سپتامبر شک و نگرانی چرسچکی افزایش یافت. او به ریچتوفن - که با پیشنهادهای ۳۱ ژوئیه او یعنی هنگام اطلاع دادن به برلین در مورد انتظار هیأت سیاسی آلمان در

\* Bülow

\*\* Tschirschky

\*\*\* Schoen

۶ اوت برای پرداخت وام تا پایان آن ماه به ایران مخالفت کرده بود. گفت: اگر آلمان‌ها با کمک مالی که از سوی ایران درخواست شده بود، موافقت کنند، به لحاظ سیاسی در موقعیت دشواری قرار خواهند گرفت و بریتانیا و روسیه علیه آنها با هم متحد خواهند شد. ضمناً چنین ارتباط‌هایی که اکنون با بانکداران آلمانی برقرار شده بود، نشان می‌داد که به سبب عدم وجود ضمانت، آنها رغبتی به دادن وام ندارند. چرسچکی به ریچتوفن گفت که به مشیرالدوله - که در آغاز ماه اوت صدراعظم شده بود - بگوید که پرداخت هیچ وامی ممکن نیست؛ به عبارت دیگر قرار شد طی اقدامی بنا به خواسته دولت ایران یک بانک آلمانی در ایران تأسیس شود. در ۲۱ سپتامبر به سفیر آلمان در لندن، کنت مترنیخ،\* دستور داده شد به سر چارلز هاردینگ بگوید از آنجا که با بانک دولتی مخالفت شده، قرار است بانکی کاملاً خصوصی در ایران تأسیس شود و این گونه بر می‌آید که سرمایه‌داران آلمانی بدون هیچ بحثی با پرداخت وام به دولت ایران موافقت کنند.

تا آنجایی که به برلین مربوط می‌شود، پیداست که سر ادوارد گری حق داشت در مورد آلمان بگوید که «سیاست این کشور در جهت گسترش بازرگانی می‌باشد». علاقه چرسچکی به بانک تنها به خاطر منافع تجاری آلمان بود و ربطی به منافع سیاسی این کشور در ایران نداشت. در آن هنگام، یعنی در ماه اکتبر به ایسولسکی گفته شد که این ریچتوفن است که بایستی به خاطر وام و اعانه‌های فراوانی که به دولت ایران پرداخته، مورد مؤاخذه قرار گیرد.

#### ه) نیکلسون در ماه اوت

در صبح روز ۲۳ ژوئیه این خبر به لندن رسید که تزار مجلس دومای روسیه را دو روز پیش منحل کرده است. نخست‌وزیر انگلیس، سر هنری کمپبل - بنرمن،\*\* در سخنرانی افتتاحیه اتحادیه بین‌المجالس - که در آن از تمامی مجالس اروپا حضور داشتند - سخنان خود را با این جمله به پایان رساند: دوما مرده است، باید آن را زنده کرد. این نظرات گرچه ارزشمند به شمار می‌رفت، ولی مشکلات عدیده‌ای را برای سر آرتور در روابطش با روس‌ها طی ماه بعد پدید آورد. نیکلسون از ۲۸ ژوئیه آموخت که دولت او اکنون مترصد فرصت است تا دولت روسیه به

\* Count Metternich

\*\* Sir Henry Campbell-Bannerman

طور کامل تثبیت شود. او این امر را چون یک اشتباه پنداشت. او از هاردینگ و سپس گری خواست که اجازه یابد تا بر این اساس که دولت روسیه ثابت است، «گردش کار را با احتیاط حفظ کند». چنانچه گردش کار حفظ نمی‌شد، روس‌ها فکر می‌کردند که ثبات آنها متزلزل گشته و ممکن بود بعدها آنها بیشتر قائم به ذات و متکی به نفس شوند و در این اثنا ممکن بود که سیاستگذاری آلمان در ایران افزایش یابد. نیکلسون خواست که بلافاصله موضوع ایران را از سر بگیرد و سعی داشت پیش از آنکه آلمان‌ها در ایران جایگاهی به دست آورند یا روس‌ها بتوانند موقعیت موجود خود را در سیستان تقویت کنند - قضیه‌ای که موضوع کنترل تلگراف مشهد - سیستان به آن مربوط می‌شد - به یک تفاهم و توافق با ایران دست یابد. در ۴ اوت نیکلسون دریافت که اعتصابی عمومی در پیش است. دو روز بعد او گزارش داد که «علاقه ایسولسکی کم شده» و او (نیکلسون) «کمتر آرزوی قرارداد را در سر می‌پروراند». در ۱۱ اوت او از شکست استالپین\* برای تشکیل هیأت دولتی متشکل از جناح‌های سیاسی در روسیه خبر داد و خاطر نشان کرد: «رویه‌رفته اوضاع روز به روز پیچیده‌تر می‌شود». در ۱۵ اوت او همچنین دریافت که نگرش ایسولسکی در مورد موضوع مذاکره «کاملاً تغییر یافته و اشتیاق پیشین، او به سکوت و بی‌تفاوتی مبدل گشته است». به باور او دلایل اصلی، سخنرانی کمپبل - بنرمن و پوشش خبری بریتانیا از رویدادهای جاری در روسیه بود. به هر تقدیر، «شانس برقراری روابط حسنه در حال کاهش بود». ده روز بعد نیکلسون به این حرف‌گری رسید که انقلاب دیگری در روسیه در حال انجام است.<sup>(۷)</sup> در روز بعد (۲۶ اوت) به جان استالپین سوء قصد شد. اگر نخست‌وزیر روسیه در خانه بود، به همراه خانه‌اش به هوا می‌رفت.

در چنین شرایط بدیمنی - که احتمال ملاقات شاه ادوارد با تزار را منتفی کرد - کاملاً شگفت‌آور بود که پوکلوسکی،\*\* نخستین دبیر سفارت روسیه در لندن بایستی در ۲۹ اوت به سراغ نیکلسون می‌رفت و در مورد پیشنهادهای احتمالی بریتانیا درباره ایران «از زیر زبان او حرف بکشد» و به او بگوید که ایسولسکی از اقدامات آلمان در آنجا کاملاً آگاه است و به گمان او بهتر است پیش از آنکه آلمان به جایگاه استواری دست یابد، بریتانیا و روسیه به توافقی متقابل

\* Stolypin

\*\* Poklewski

برسند. حوادث بعد فرصت مناسبی را برای حل و فسخ مشکلات لاینحل فراهم آورد.

### و) فقط رابطه

آنچه بعداً رخ داد این بود که در ۳۱ اوت ایسولسکی به نیکلسون خبر داد که دولت ایران از روسیه درخواست وام کرده و در برابر نیز حاضر است به شروط پیشنهادی روسیه تن دهد و ضمناً تهدید کرده چنانچه هیچیک از دو کشور بریتانیا و روسیه خواسته‌های آنها را تأمین نکنند، ایران به ناچار به آلمان متوسل خواهد شد. نیکلسون پیشنهاد داد که «برای ارضاء نیازهای بسیار فوری» به دولت ایران وام مشترکی پرداخت شود «تا آلمان‌ها اجازه دخالت در این امر را نداشته باشند». ایسولسکی با این موضوع موافقت کرد. نیکلسون بی‌درنگ به لندن تلگراف زد و در پی این موضوع در اول سپتامبر جزئیات درخواست‌های ایران از روسیه را در گزارشی چنین بیان کرد: یک مساعده فوری به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ پوند و وامی معادل ۱۶۵۰/۰۰۰ پوند. اطلاعات نیکلسون با تلگرامی از گرنت - داف از تهران - که در ۲ سپتامبر فرستاده و در ۳ سپتامبر دریافت شده بود - تکمیل شد. مضمون اطلاعات واصله از گرنت - داف این بود که دولت ایران دو هفته پیش از سن پترزبورگ درخواست وامی کرده و هنوز منتظر پاسخ دولت روسیه است. در جلسه‌ای «محرمانه» گرنت - داف بیان کرد که م. نائوس «چندی پیش صراحتاً در مورد موضوع بالا سخنانی ایراد کرد که مورد تأیید مقامات بلندپایه دربار نیز واقع شد». به باور او این اطلاعات می‌توانست دلیلی برای اعطای خط تلگراف مشهد - سیستان به روس‌ها باشد.

در ۳ سپتامبر گری پیشنهاد نیکلسون را مبنی بر پرداخت وام مشترک پذیرفت. با توجه به وضع سلامتی شاه و در نتیجه بی‌ثباتی کنونی دولت ایران، او فکر می‌کرد که شاید بهتر باشد پرداخت وام تا جلوس ولیعهد بر تخت به تعویق بیفتد، زیرا پرداخت وام در آن هنگام «می‌توانست شروع خوبی برای مذاکره با دولت جدید باشد». در همین حین، گرچه پرداخت هر وامی مستلزم دستیازی به درآمدهای هندوستان بود، ولی گری با مورلی در این باره گفتگو کرد و شخص دیگری را برای مشورت با هاردینگ مأمور ساخت.

گری در گفتگوی خود با مورلی از بیانات خاصی استفاده کرد، چکیده گفته‌های مورلی را می‌توان چنین عنوان کرد: «من هم مانند شما از اینکه می‌بینم روسیه به آلمان دست دوستی داده،

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

ناراحت هستیم». این سخن پیش از این نیز یک بار دیگر بیان شده بود. این جمله از میان یکی از بندهای گزارش خبری شماره ۱۰۸ مورخ نوزدهم ژوئیه، تهیه شده به دست سر هاردینگ، نقل شده بود. در آغاز این بند این پرسش پیش آمده بود که دولت آلمان تا چه اندازه ممکن است به پیشنهادهای ایران پاسخ دهد. در ادامه سفیر بروکسل چنین بیان کرده بود:

ایران به لحاظ اقتصادی برای آلمان بی‌ارزش است؛ ولی با این همه این کشور می‌تواند به عنوان مایهٔ نفاق بین روسیه و خود ما و همچنین به عنوان ابزاری برای جلوگیری از ایجاد رابطهٔ حسنه بین انگلیس و روسیه در آسیا، ارزشمند تلقی شود. به باور من در سن پترزبورگ نبردی بین نیروهای در حال پیشروی دولت انگلیس و نیروهای مرتجع متکی به آلمان در پیش است که دومی از سوی ملکه، جناح نظامی و تا حدی نیز ایسولسکی مورد حمایت قرار می‌گرفت؛ ضمناً موضوع نبرد هنوز در هاله‌ای از ابهام است. موضوع ایران قطعاً به عنوان عاملی مؤثر در این جریان به شمار می‌رود. چنانچه قرار باشد آلمان به جای اتحاد روسیه و انگلیس در مورد ایران به اتحاد روسیه و آلمان بیندیشد، در این صورت سلطهٔ روسیه را بر سواحل اقیانوس هند به رسمیت می‌شناخت و در عوض نیز سلطهٔ آلمان در بین‌النهرین، عربستان و در امتداد رود فرات تا اقصای محمره به رسمیت شناخته می‌شد و همچنین در تقابل با انگلیس سیاست مشترکی بر روی این خطوط اعمال می‌شد، من می‌توانم بپذیرم که چنین پیشنهادی می‌تواند جذابیت‌های خاصی برای عناصر قدرتمند دشمن انگلیس در سن پترزبورگ داشته باشد و دست کم ممکن است مانع ایجاد توافق بین انگلیس و روسیه در خصوص آسیا-که طبعاً برای برلین خوفناک خواهد بود- شود. از این منظر، داشتن منافع مادی آلمان در ایران می‌توانست مهم قلمداد شود.<sup>(۸)</sup>

گفته‌های هاردینگ، با آنکه در مورد توهین فاحش آلمان‌ها راجع به وام ایران در ماه آوریل غیر واقع‌بینانه بود، ولی یک امتیاز مهم داشت. وزارت امور خارجهٔ بریتانیا این گفته را بیشتر در مورد کسانی به کار می‌برد که کمتر از حال خود خبر داشتند. گری پس از استفاده از آن در مورد مورلی، که به گری اذعان کرده بود: «من به دید مثبت به این وام نمی‌نگرم»، قرار شد که یک

هفته بعد نیز از آن در مورد کمپبل- بنرمن استفاده کند. همچنین قرار بود که مورلی از آن در مورد دولت نافرمان هندوستان استفاده کند. در اینجا باید یادآوری کرد که در ۳ سپتامبر دولت هندوستان افشا کرده بود که این کشور در مورد داشتن نفوذ در جنوب خط واصل قائن به خانقین همچنان اصرار می‌ورزد. شگفت‌آور نیست که در ۴ سپتامبر منشی خصوصی مورلی دریافت که او «شدیداً معتقد است که دولت هندوستان نباید به عنوان قدرتی مستقل تلقی شود». در چنین شرایطی گفته‌ای که گری از سر آرتور هاردینگ به عاریه گرفته بود، تنها به درد مورلی می‌خورد. اقداماتی را که گری در ۳ سپتامبر انجام داده بود باید به خاطر سپرد. این اقدامات عبارت بودند از: موافقت وی با پیشنهاد نیکلسون مبنی بر پرداخت حداقل یک وام مشترک به ایران و گفته‌اش او به نیکلسون به این مضمون که گرت - داف دستور یافته تا «همراه با همکار روسی‌اش مشخص کند که تا چه اندازه وام مورد نیاز است و چگونه ما می‌توانیم مطمئن باشیم که این پول در جهت نیازهای واقعی به کار بسته خواهد شد». چرا که در این مرحله و تا پایان عصر هشتم سپتامبر، این قضیه برای وزیر امور خارجه بریتانیا همچون قبل (در ژانویه، مه و ژوئیه) بیشتر مانعی برای روسیه بود تا به تنهایی به خواسته‌های ایران تن ندهد، نه اینکه بخواهد جلوی آلمان را بگیرد تا به ایران وام بدهد: در آن زمان تهدید ایران برای توسل به کشوری دیگر معمول شده بود و بخشی از فنون ایران در مذاکره به شمار می‌رفت.

خبری که گری در ۴ سپتامبر دریافت کرد، نتوانست بر تصمیم او خدشه‌ای وارد سازد: او از اداره امور هندوستان رونوشتی از تلگرام شدیداللحن سوم سپتامبر دولت هندوستان دریافت کرده بود و همچنین طی گزارشی سری به شماره ۲۳۰ از سوی گرت - داف از تهران، دریافت که بسته دیپلماتیک بعدی حاوی «ادله مستندی» است که وزیرمختار روسیه در ایران پیرو حوادث اخیر در هیأت دیپلماتیک بریتانیا «خواستار افزایش منافع روسیه شده است». در ضمن در ۷ سپتامبر دولت هندوستان بار دیگر تلگراف زد و با یادآوری گزارش گرت - داف در تاریخ ۲ سپتامبر تلگرام خود را چنین پایان داد که موضوع وام روسیه ممکن است دوباره ضروری گردد. این خبر در ۱۰ سپتامبر به اطلاع وزارت امور خارجه رسید.

در ۷ سپتامبر جلسه شورای سلطنتی روسیه تشکیل شد. در این جلسه ایسولسکی بیان کرد که باید میان مسأله توافق با بریتانیا - که دست کم برخی از منافع روسیه را تضمین خواهد



کرد. وادامه رقابت با این کشور یکی را انتخاب کرد. وزیر مالیه، کوکوتسف،\* قبلاً در یادداشتی با انتخاب گزینه اول موافقت کرده بود. وی در این جلسه چنین گفت:

ما باید بدانیم که اهمیت سیاسی روسیه کاهش یافته و به همین خاطر لازم است که ما نگرش خود را به طور کامل در مورد سیاست شرق - که درباره آن به اشتباه گمان می‌رود که ما از منابع موجود خود برای دستیابی به اهداف موردنظر استفاده نکرده‌ایم - عوض کنیم. بویژه راجع به ایران، انگیزه اصلی تلاش برای دستیابی به یک خروجی از خلیج فارس بود که لازمه این امر ساخت راه‌آهن در جنوب است.

کوکوتسف از روی وقایع چنین می‌پنداشت که روسیه دیگر نمی‌تواند از راه ایران بر ملل دیگر فشار وارد کند و همچنین قادر نیست این کشور را به طور کامل تحت نفوذ و سلطه خود قرار دهد. او همچنین فکر می‌کرد که روسیه نباید در پی نفوذ زیاد در ایران باشد: «وظیفه ما آن است که به فکر شهرهای مجاور روسیه باشیم و نگذاریم که بریتانیا و آلمان در آنها نفوذ کنند». مضمون مقاله‌ای که او تهیه کرده بود، تعیین مرزی در امتداد خط قصرشیرین - همدان - تهران - مشهد - عشق‌آباد بود. چنانچه این مرز به وجود می‌آمد:

جلوی ورود راه‌آهن بغداد به ایران را می‌گرفت، ورودی‌های راه‌آهن ماورای قفقاز را می‌پایید و هنگامی که به پایتخت این کشور می‌رسید، مرزی طبیعی برای منطقه‌ای ایجاد می‌کرد که ما قبلاً امنیت آن را تأمین کرده بودیم. ما بایستی خود را به این خط محدود کنیم و مصمم شویم که بیش از این به سمت جنوب نرویم. در شب روز بعد، ۸ سپتامبر، ایسولسکی نیکلسون را فرا خواند. با وجود گفته ایسولسکی در تاریخ ۳۱ اوت، درباره نزدیکی ایران به روسیه او این بار می‌خواست در مورد نزدیکی ایران به آلمان، به ازای همان مقدار پول صحبت کند. وی اظهار داشت که بنا به اطلاعات او «جلسات غیررسمی فعال» در جریان است. به گمان او بانک مربوطه می‌بایست بانک آلمان باشد. وی معتقد بود که جلوی این طرح رامی‌توان با وام مشترکی از سوی دولت‌های بریتانیا و روسیه گرفت.

\* Kokovtsov

گری به سرعت به این رویداد جدید پاسخ نداد، ولی در ۱۲ سپتامبر تصمیم خود را در این باره گرفت. مورلی مقتصد در ۴ سپتامبر در نامه‌ای خطاب به گری چنین نوشت: «اگر موضوع وام عمومی گردد، کمتر در ید قدرت کشوری دیگر خواهد بود. اما از آنجا که این وام...؟» گری بر آن شد که به هنگام آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر ایران بویژه در مورد اختصاص حوزه‌های نفوذ در این کشور، درباره موضوع پرداخت وام مشترک انگلیس و روسیه به ایران بحث شود.

از اینرو گری در ۱۲ سپتامبر طی تلگرافی به نیکلسون گفت که دولت انگلیس مایل است در دادن وام ۴۰۰/۱۰۰۰ پوندی به دولت ایران مشارکت داشته باشد. گری در ادامه با اشاره به شرایط مذکور در تلگرامی که از گرت - داف دریافت کرده بود، گفت:

من به دولت روسیه پیشنهاد می‌کنم که به عنوان تضمینی برای نیمی از این وام، ما بایستی سوای وام پیشین خود، وام دیگری را به شرط حقوق گمرکی خلیج [فارس] و بنادر جنوبی به ایران بدهیم و دولت ایران نیز بایستی به ما این تعهد را بدهد که به هیچ کشوری امتیاز ساخت جاده، تلگراف یا خط آهن را در منطقه‌ای که در مشرق خط واصل بیرجند تا بندرعباس قرار دارد، ندهد.

همچنین روسیه بایستی این حق را داشته باشد که در قبال وام خود شرایطی را در مغرب این خط به نفع خود وضع کند. چنانچه دولت روسیه بخواهد در حقوق گمرکی بنادر ایران با ما سهیم شود، ما به انجام این امر در بنادر واقع در مغرب بندرعباس و همچنین در دهانه خلیج فارس راضی خواهیم بود، اما چنین پیشنهادهایی بایستی از جانب روسیه مطرح شود و پیش از توافق با روسیه شما بایستی موضوع را با دولت اعلیحضرت در میان بگذارید.

وی در پایان گفت:

شما از این موضوع در خواهید یافت که قصد ما از وام مشترک در واقع یک توافق کلی با روسیه در خصوص ایران است؛ در غیر این صورت من فکر می‌کنم هیچ گونه اشتیاقی برای مشارکت وجود نداشته باشد.<sup>(۹)</sup>

اکنون که کار از کار گذشته بود گری به کمپبل - بنرمن نامه می‌نوشت. او از همان سخنانی

استفاده کرد که در مورد مورلی مؤثر واقع شده بود، گرچه این بار به نظر او این سخنان نقش کمتری می‌توانست ایفا کند:

درخواست مستقیم ایسولسکی از نیکلسون برای مشارکت در اعطای وام به ایران، از بیم آنکه مبادا آلمان با دادن وام بر اساس شرایط سیاسی اوضاع و احوال ایران را بغرنج سازد، باعث ایجاد موضوعی جدی گشته است. از اینرو من به دیدن مورلی رفتم. ترس من از این بود که اگر ما جواب رد می‌دادیم این احتمال وجود داشت که ایسولسکی با آلمان در پرداخت وام مشارکت جوید. در این صورت هم‌دستان آلمان و روسیه در ایران با ما دشمن خواهند شد و تمام شانس ما برای توافق با روسیه در آینده از بین خواهد رفت. بنابراین به نظر من ما نباید با این پیشنهاد مخالفت کنیم بلکه بایستی مبلغ آن را به پایین‌ترین حد ممکن برسانیم و شرایطی را پیشنهاد کنیم که نیت حسنه روسیه را برای توافق با ما بسنجد. چنانچه این کشور پیشنهاد ما را بپذیرد، تمهیدات تقسیم حوزه‌های نفوذ در ایران میان روسیه و بریتانیا فراهم خواهد شد. ما شمال، مغرب و بخش بالایی خلیج فارس را به روسیه محول خواهیم کرد، اما دهانه خلیج فارس، جنوب و سیستان جزو منافع ما به شمار خواهد آمد و روسیه باید بپذیرد که هیچ‌گونه مداخله‌ای در آنجا نداشته باشد... اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، ما زمینه را برای موقعیتی بهتر در آینده فراهم ساخته‌ایم.

افزون بر سخنان گری مبنی بر بیم او از اتحاد آلمان و روسیه، در این بین کشور دیگری نیز ادعای خسارت می‌کرد. این قریانی دولت هندوستان بود. در ۱۹ سپتامبر لرد میتو طی تلگرامی بلند مخالفت خود را با این سیاست - که او در چهاردهم ماه از آن آگاهی یافته بود - اعلام کرد. از آنجا که در این تلگرام مخالفت کامل دولت هندوستان با هرگونه توافق با روسیه بیان شده و همچنین دلایل این مخالفت ذکر شده بود و از آنجا که این تلگرام هرگز به چاپ نرسید، در اینجا به عنوان پیوست آورده شده است. همین بس که بگوییم این تلگرام با این اظهار نارضايتی آغاز شده که «ما اکنون می‌دانیم که اساس وام مشترک رسیدن به توافقی کلی بر سر موضوع ایران است و شیوه کاربرد این توافق در ۱۲ سپتامبر برای (نیکلسون) فرستاده شده است» و نسبت به تصمیم

درباره دست کشیدن از خط خانقین - بیرجند اظهار تأسف شده و چنین بحث شده که خط محمره - قائن به مراتب بهتر از خط بندرعباس - بیرجند می باشد و در پایان چنین آمده «برخلاف چنین توافقی که بدان اشاره شد... ما به خود این اجازه را می دهیم که با نهایت احترام و در عین حال با قاطعیت مخالفت خود را به خاطر منافع هندوستان ابراز می کنیم و امیدواریم به هیچ وجه از ما در راستای چنین اقدامی برای اعطای وام، درخواست کمک مالی نشود و از ما نخواهند که به آنها در راستای هزینه های سنگین نیروی دریایی و نظامی - که به طور حتم از این پس به موجب این حکم ضروری خواهد شد - کمک کنیم».<sup>(۱۰)</sup>

به پیوست این اعلامیه استقلال کما بیش یک طرفه، نامه ای از کیچنر قرار داشت. او درباره پرداخت وام احتمالی به ایران و پیامدهای آن چنین گفت:

به نظر من گفتگوهایی که با روسیه انجام شده، منافع ما را در ایران به خطر خواهد انداخت، زیرا به باور من بدین وسیله روسیه اجازه می یابد که بسیار بیشتر از سهم خود را طلب کند. من فکر می کنم که با توجه به شرایط کنونی در روسیه، هر گونه توافق کلی بر سر ایران نابهنگام خواهد بود و بیم دارم که آنچه پیشنهاد می شود، نتواند گره گشای همیشگی این قضیه باشد. به جای پیشنهادهای دولت اعلیحضرت، من ترجیح می دهم که در صورت پرداخت وام اوضاع کنونی حفظ شود و روسیه مجاز باشد که به عنوان وثیقه تنها شرایط خود را وضع کند و کاری به سهم ما نداشته باشد. البته ایران بایستی بداند که در صورت پذیرش هر توافقی مانند این با روسیه، منافع شناخته شده ما باید همچنان محفوظ بمانند.

در همین هنگام، میتو با ارسال تلگرامی شخصی به مورلی موضع نسبتاً انعطاف پذیرتری از خود نشان داد. میتو بیان کرد که این تلگرام رسمی بیانگر نظرات دولت هندوستان مطابق با سیاست گذاری های دراز مدتی است که این کشور در قبال ایران داشته است، اما «شخصاً از فحوای نامه شخصی شما و گزارش های هاردینگ از بروکسل چنین حدس می زنم که اقدام دولت اعلیحضرت در خصوص روسیه و ایران به خاطر ترس از توطئه های آلمان در خاورمیانه و ضرورت ایجاد رابطه حسنه بین ما و روسیه و فرانسه است». میتو خواست،

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

چنانچه فرض او درست باشد، هر گونه پاسخی به او این اجازه را بدهد که وی به شورای خود توضیح دهد «که موضع کاملاً جدیدی اتخاذ شده است». او در پایان گفت: «پیشنهاد‌های کنونی در خصوص ایران شوک سنگینی برای سیاست‌های پیشین خواهند بود و چنانچه توضیحی در این باره داده نشود، انتقادهای زیادی را به دنبال خواهد داشت».<sup>(۱۱)</sup>

برای آنکه این تقاضا در برابر شورای نایب السلطنه از استدلال خوبی برخوردار باشد، می‌بایست پیشنهاد داده می‌شد که آلمان سپر بلای دیگر کشورها شود. سر ادوارد گری در مورد تلگرام رسمی نایب السلطنه در ۱۹ سپتامبر چنین گفت:

ما از دولت هندوستان نمی‌خواهیم که خط بندرعباس - بیرجند را به عنوان یک مرز به حساب آورد؛ به باور من ما تحت هیچ شرایطی نباید هیچ بخشی از ایران را تصرف کنیم؛ این کشور برای ما حفظ خواهد شد، متوط به این دیپلماسی که روسیه را از مثلث سیستان دور نگه داریم. به نظر من این امر تنها با پیشنهاد‌های مربوط به این وام محقق خواهد شد نه به شکلی دیگر. من در مورد اهمیت بنادر خلیج فارس در درون دهانه اختلاف نظر دارم؛ به نظر من هیچ خطری از جانب روسیه این بنادر را تهدید نمی‌کند و تا هنگامی که دست این کشور از این بنادر کوتاه است، توافق معنی و مفهومی نخواهد داشت.

چنانچه این توافق، که ما پیشنهاد آن را داده‌ایم صورت گیرد، می‌توان امید داشت که در آینده نیز استمرار یابد.

اگر با پیشنهاد دولت هند در خصوص خط بیرجند - خاقلین موافقت شود، این توافق دوامی نخواهد داشت. در حقیقت با این پیشنهاد هرگز موافقت نخواهد شد و دولت هندوستان به فکر آن است که این خط را سرانجام با زور تصاحب کند که این به معنای الحاق قسمت جنوبی ایران خواهد بود. بر خلاف انتظار هیچ‌گونه نگرانی در مورد آلمان و یا توافق بین آلمان و روسیه وجود نداشت.

با این حال مورلی بایستی شورای نایب السلطنه را مورد توجه قرار می‌داد. او نخست به طور مختصر به تلگرام خصوصی میتو پاسخ داد: «توضیح شما درباره برخی توطئه‌ها کاملاً

درست است» و اظهار داشت که او شخصاً «مخالف ربط وام با توافق کلی است»، و چنانچه این ادعای او راست باشد، نشان می‌دهد که موضع او در ۴ سپتامبر تغییر یافته است. سپس او تا حدودی به جزئیات پرداخت و بیان کرد که «کلید حل مسأله در گروی دخالت آلمان در امور ایران خواهد بود - نخست به عنوان گامی در جهت سیاست کلی جهان؛ دوم با دشوار ساختن برقراری ارتباط حسنه بین ما و روسیه». او سپس ادعاهای کیچنر را رد کرد: «تلگرام ۱۹ سپتامبر کیچنر اثر خوبی بر روی من نداشت. هنگامی که او می‌گوید: در اوضاع کنونی روسیه هرگونه توافق کلی بر سر ایران بسیار نابهنگام است، او از حوزه عمل یک سرباز عدول کرده است». مورلی بدون انتظار هیچ پاسخی پرسید: «آیا او بیش از ما نسبت به اوضاع کنونی روسیه آگاه است؟ آیا او چیزی در مورد اقدامات بسیار آلمان می‌داند؟ در چنین شرایطی بهنگام بودن را یک سرباز تعیین نمی‌کند». سپس مورلی در ۲۲ سپتامبر شخصاً به تلگرام رسمی ۱۹ سپتامبر نایب السلطنه پاسخ داد.

پاسخ مورلی به طور کامل در پیوست آمده است. در این پاسخ کاملاً با طرز فکر دولت هندوستان مخالفت شده است. مورلی راجع به موضوعات سیاسی در خصوص تصمیم‌گیری دولت انگلیس پیرامون «توجه کلی سیاست اعلیحضرت» اذعان کرد که «دولت اعلیحضرت معتقد است که اوضاع کنونی روسیه و ایران و نگرش احتمالی یکی دیگر از کشورهای اروپایی به قضیه ایران فرصت خوبی را برای به توافق رسیدن با روسیه فراهم ساخته است...». با این همه در متن بحث کنونی آنچه اهمیت دارد این گفته پایانی مورلی است که «در منطقه جدید اوضاع بیشتر آشفته و پیچیده خواهد شد». مورلی که نزد هاروگیت<sup>\*\*</sup> و سر رت. ریچای،<sup>\*\*</sup> رئیس سازمان سیاسی و جاسوسی دولت هندوستان، رفته بود، این پیام را در ساعت ۱۱/۳۹ پیش از ظهر روز ۲۴ سپتامبر تلگراف کرد. به نظر من این اقدام مهمی است که در باره وام آلمان، به لندن فرستاده شد و مورلی فراموش کرده بود که آن را در آغاز ذکر کند و بعداً آن را بیان نمود.

(ز نیکلسون در ماه سپتامبر

نیکلسون در ۱۱ و ۱۲ سپتامبر متوجه شد که ایسولسکی به او درباره مناطق تبّت،

\* Harrogate

\*\* Sir R.T. Ritchie

افغانستان و ایران که او قصد پیشرفت در آنها را داشت، روی خوش نشان نمی‌دهد. به احتمال زیاد، یأس ایسولسکی بازتاب این حقیقت بود که در جلسه ۷ سپتامبر شورای سلطنتی روسیه هیچ تصمیم قاطع یا روشنی درباره نوع سیاست‌گذاری روسیه اتخاذ نشده بود. در ۱۳ سپتامبر نیکلسون تصمیمات جدید خود را در پیش گرفت که این امر چیزی از تلاش‌گری برای پیشی جستن بر هر گونه مذاکراتی که روس‌ها ممکن است سرانجام در آن شرکت داشته باشند، کم نداشت.

نیکلسون بر موضع خود همچنان راسخ ماند. او دریافت که وزیر امور خارجه روسیه نمی‌تواند پاسخی فی‌البداهه بدهد و درباره شرایطی که قرار بود بر ایران تحمیل شود، ناراحت بود. با توجه به دید بسیار شگفت‌آور بانکداران آلمانی مبنی بر اینکه آنها بی‌هیچ ضمانتی حاضر به پرداخت وام بودند، ایسولسکی ابراز نگرانی کرد که اگر شرایط طبیعی - که نیکلسون آن را توصیف کرد - در مورد دولت ایران وضع شود، دولت ایران بی‌درنگ با هیأتی از جانب یکی از بانک‌های آلمان وارد معامله خواهد شد که به گفته او این هیأت قرار بود تا پایان ماه وارد تهران شود.

در ۱۷ سپتامبر ایسولسکی بیان کرد که او کاملاً از نقشه‌گری با خبر است. او به نیکلسون گفت: عاقلانه‌تر آن بود «که موضوع تعیین حدود حوزه‌های نفوذ در ایران به موضوع وام پیوند زده نمی‌شد». مسأله وام «مسأله‌ای نسبتاً ناچیز بود». تنها هنگامی که «موضوع وام مشترک» مطرح شد، زمان برای بحث پیرامون حوزه‌های نفوذ فرا رسیده است. قرار بود ایسولسکی این خط را مجدداً در نوزدهم سپتامبر مشخص کند. گری به سهم خودش تصمیم گرفت فشار بیشتری اعمال کند. در مورد تلگرام شماره ۲۲۴ تاریخ ۱۷ سپتامبر نیکلسون - که در آن ایسولسکی ابراز امیدواری کرده بود که بریتانیا نسبت به وام در ازای تصرف حقوق گمرکی بنادر خلیج فارس و جنوب ایران موافقت خواهد کرد، سر چارلز هاردینگ اظهار داشت: «موافق به تفاهم رسیدن با روسیه هستیم، به گونه‌ای که مثلث مزبور را حوزه نفوذ بلامنازع خود بدانیم و در این حوزه اعطای هیچ امتیازی ممکن نباشد». در مورد تلگرام بعدی نیکلسون به شماره ۲۲۵ و به تاریخ همان روز، یعنی ۱۷ سپتامبر، معاون وزیر دائم اعلام کرد: «چنانچه ما مثلث بیرجند - بندرعباس را به عنوان حوزه نفوذ خود قلمداد کنیم، در این صورت ما نباید بقیه ایران را به دست روسیه

بسپاریم». در پی این صحبت‌ها، گری در نوزدهم سپتامبر بیان کرد که در برابر حوزه نفوذ انگلیس در مشرق و جنوب، روس‌ها نیز بایستی حوزه نفوذی در مغرب و شمال داشته باشند و «قسمت مرکزی نیز بایستی به طور یکسان برای معاملات کلی کنار گذاشته شود»؛ با این حال او بسیار اصرار می‌ورزید که روس‌ها «به عنوان نقطه آغاز اقدامات مشترک» خط پیشنهادی بندرعباس تا بیرجند را به رسمیت بشناسند.

نیکلسون ابتدا در برابر این فشار ایستادگی کرد. در ۲۱ سپتامبر او دیگر موضوع به رسمیت شناختن خط بندرعباس - بیرجند توسط روسیه را مورد تأکید قرار نداد، زیرا می‌دانست ایسولسکی «نگران آن است که موضوع حوزه‌های نفوذ با موضوع نخستین وام پیوندی نداشته باشد». اما پس از دو روز نیکلسون آگاه شد که هم ایسولسکی و هم کوکوتسوف حاضرند خط بریتانیایی بندرعباس - بیرجند و همچنین قرار گرفتن شمال ایران در حوزه نفوذ روسیه را به رسمیت بشناسند. وظیفه سنگینی به جای مانده بود: ضرورت متقاعد ساختن تزار و فرماندهی کل. با وجود این نیکلسون این فرصت را مغتنم شمرد تا تأکید کند که برای انگلیس بسیار مهم است که به حوزه نفوذ پیشنهادی خود دست یابد.

گری در ۲۴ دسامبر شاه ادوارد را نسبت به جریان امور آگاه ساخت و ضربه شدیدی به دولت نوپای هندوستان وارد کرد. سه روز بعد در حالی که هیچ اقدام دیگری صورت نگرفت گری در تلگرامی مشت خود را برای نیکلسون باز کرد:

اعطای وام مشترک به دولت ایران

قصد دولت اعلیحضرت از کمک به روسیه در این راستا، آن بوده که در روابط بین این دو کشور توافقی کلی حاصل شود. از اینرو دولت اعلیحضرت ترجیح می‌دهد که دولت روسیه به عنوان نقطه آغاز همکاری مشترک، هر چه زودتر مشکل تلگراف سیستان را مرتفع سازد و با به رسمیت شناختن خط بندرعباس - بیرجند حوزه نفوذ ما را در مشرق ایران مشخص سازد. با پذیرش دیدگاه‌های ایسولسکی توسط ما جلوی این جریان گرفته نخواهد شد، به عبارت دیگر درست نیست که در برابر وام خواستار شرایطی از دولت ایران شویم. با این حال اگر پیش از آنکه شما موفق شوید بر مبنای شرایط بالا به توافق برسید،



## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

مقتضیات و شرایط کنونی ایران پرداخت فوری نیمه اول وام را ضروری گرداند؛ ما در دادن مساعده ۱۰۰۰/۰۰۰ پوندی خود هیچ گونه مخالفتی نخواهیم کرد. این اقدام این حسن را دارد که در راه توافق بین دو کشور نخستین گام به شمار خواهد آمد.

با این همه چنانچه دولت روسیه خط بندرعباس - بیرجند را به رسمیت نشناسد و بر طبق آن مشکل تلگراف مرتفع نشود، دولت اعلیحضرت نمی تواند در پرداخت نیمه دوم وام همکاری داشته باشد. شما بایستی این موضوع را برای وزیر امور خارجه روسیه کاملاً آشکار سازید.<sup>(۱۲)</sup>

نتیجه اقدامی که گری برای بدتر کردن شرایط روسیه انجام داد، وارونه شد. در بیست و هفتم سپتامبر ایسولسکی پرونده‌ای را که حاوی رویدادهای دو هفته گذشته بود، برای بنکندورف فرستاد. او نوشت: «شما در آن خواهید دید که هیأت وزرای لندن دوست دارد که فرصت وام را مغتنم شمرده تا فی المجلس موضوعی اساسی را مطرح سازد - منظور تعیین حدود حوزه‌های نفوذ است». ایسولسکی سعی داشت مشکلات چنین رویکردی را برای نیکلسون نمایان سازد تا او را مجاب سازد که در مورد پرداخت وام به ایران که لازم بود به سرعت صورت گیرد و برای آن نیز کرکوتسف پول مقرر کرده بود، اهتمام ورزد. به نظر ایسولسکی - که انتظار مشکلات زیادی را با فرماندهی کل داشت - هنگامی که نوبت به قضیه ایران می‌رسید، این وام‌ها تنها گوشه‌ای از مسایل پشت پرده را برملا می‌ساخت.

ایسولسکی گفته بود که او نمی‌داند آیا کابینه لندن عمداً با عجله و شتاب به دنبال یافتن راه‌حلی برای این قضیه است یا خیر. در حقیقت هرگونه بدگمانی که او در این مورد داشت، کاملاً درست بود. در ۲۹ سپتامبر هنگام انجام آخرین دستورالعمل گری، نیکلسون به ایسولسکی گفت که به نظر دولت بریتانیا بسیار عالی ست که دولت روسیه پیش از آنکه بخش دوم وام به ایران پرداخت شود، خط بریتانیایی بیرجند به بندرعباس را به رسمیت بشناسد. ایسولسکی در پاسخ مشکلاتی را که او در متقاعد کردن دیگر وزارتخانه‌ها برای جلب رضایت داشت، مورد تأکید قرار داد و پرسید: آیا دولت بریتانیا رضایت روسیه را در خصوص خط مزبور برای دستیابی به بخش دوم وام ضروری می‌داند یا خیر؟ نیکلسون گفت: «اگر صادق باشیم، مسأله همین است». سپس

ایسولسکی توضیح داد که اگر بخش دوم وام فوراً از جانب دولت ایران درخواست شود، روسیه به جای آنکه پایبند به شرایط بریتانیا باشد، خودش این پول را پرداخت خواهد کرد. ایسولسکی پس از آنکه این گونه دولت بریتانیا را فریب داد، نحوه مذاکره را به نیکلسون و به طور غیرمستقیم به گری آموخت. نیکلسون چنین گزارش کرد:

ایسولسکی از من خواسته تا با جدیت تمام به شما بگویم که ما نباید قراردادهای آتی خود را به خاطر منافع آتی به مخاطره بیندازیم. او خودش موافق پیشنهاد ما بود ولی آشکارا به من گفت که برای دستیابی به آن، پیکار مشکلی را پیش روی خواهد داشت. او بیشتر ترجیح می‌داد که موضوع حوزه‌های نفوذ را عجلتاً کنار بگذارد و کل وام مشترکاً پرداخت شود. او به این هدف خود فکر می‌کرد که سرانجام قراردادی پیرامون تمام موضوعات مورد بحث در ایران، افغانستان و تبت تنظیم شود و توافقی حاصل شود که بر اساس آن احتمال بروز کشمکش و نزاع در آینده از بین برود. تمام مسایل به هم گره خورده بود و هیچ کدام به تنهایی قابل حل نبود. به زعم او بسیار نابخردانه خواهد بود که ما دست خود را برای یکدیگر، دولت ایران و یا حتی طرف سوم می‌روکنیم و فقط هنگامی که توانستیم فوراً وارد مرحله عقد قرارداد شویم، می‌توانیم تنها بخشی از نقشه خود را بر ملا کنیم.

نیکلسون که معتقد بود روس‌ها می‌توانند این پول را تهیه کنند، به گری توصیه کرد که از موضع عقب‌نشینی کند: «من شایسته می‌دانم که کل این وام به صورت مشترک پرداخت شود و ما نبایستی برای همکاری خود بر پذیرش پیشنهاد خود به عنوان شرطی واجب اصرار بورزیم».

گری پس از تلاش بسیار برای کنار گذاشتن روس‌ها و روبه‌رو شدن با شکست، هر جا که مقرر شده بود امتیازاتی را واگذار کرد و در برابر بیانات محکم ایسولسکی کوتاه آمد. او سرانجام پی برد که دقیقاً مانند وزارت امور خارجه بریتانیا، وزارت امور خارجه روسیه نیز مجبور شد سازمان‌های دیگر را نیز به حساب بیاورد - در اینجا منظور از سازمان‌های دیگر اداره امور هندوستان و دولت هندوستان می‌باشد. در دوم اکتبر گری طی تلگرامی به نیکلسون گفت که

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

دولت بریتانیا دیگر نمی‌خواهد «دولت روسیه را با پافشاری بر توافق سیاسی کامل به عنوان شرط وام مشترک به ایران» در تنگنا قرار دهد. او می‌دانست «توافقی که با اکراه و زیر فشار صورت گیرد، احتمالاً دوامی نخواهد داشت». او حاضر بود در خصوص کل وام همان‌گونه که نیکلسون سفارش کرده بود، عمل کند. با این همه او برای رویارویی با مخالفت‌های دولت هندوستان باز هم اصرار داشت که روس‌ها دست از کنترل خط تلگراف مشهد - سیستان که دولت ایران اخیراً به آنها واگذار کرده، بر دارد و به نظر او این خط وضع موجود را به زیان بریتانیای کبیر تغییر می‌داد. چنانچه این اقدام محقق می‌شد، «وام مشترک آغازگر اقدامات مشترک دو دولت می‌گردید و من مطمئن هستم که سرانجام قراردادی جامع و همیشگی نظیر آنچه ایسولسکی خواهان آن بود منعقد خواهد شد».

ر.پ. چرچیل در سال ۱۹۳۹ بیان کرد: هنگامی که ترس از دخالت قدرتهای خارجی، یعنی آلمان، کاسته می‌شد، موضوع وام به ایران بی‌درنگ به تعویق می‌افتاد. بیشتر مورخان نیز بر این گفته چرچیل صحه گذارده‌اند. برای نمونه، مانگر بیان کرد: هنگامی که آلمان‌ها در ماه اکتبر، یعنی هنگام ملاقات ایسولسکی از برلین، به او گفتند که مایل به تأسیس بانک در ایران نیستند، «ایسولسکی و گری نیز به تبع آن توانستند پیشنهاد وام را مسکوت بگذارند». با وجود این، دلیل اصلی اینکه چرا وام فوراً به ایران پرداخت نشد، این بود که ایسولسکی از جانب روسیه شرایطی را نپذیرفته بود که گری از جانب بریتانیا می‌خواست آنها را وضع کند. آنچه در این باره اهمیت دارد آن است که بیشترین فشار گری بر ایسولسکی، همان‌گونه که در ضمن دستورالعمل ۲۷ سپتامبر خطاب به نیکلسون آورده شده، چند روز پس از آن وارد آمد که سفارت آلمان در لندن اعلام کرد که آلمان از موضوع پرداخت وام به ایران کناره خواهد جست و همچنین چند روز پس از بیانات گری مبنی بر این که «اگر چنین شود، از ضرورت وام پیشنهادی انگلیس و روسیه کاسته خواهد شد». همچنین گفتنی است که منافع آلمان، طبق گفته چرچیل و مانگر، به طور کامل از بین نرفت. بر عکس امتیاز بانک آلمان همچنان به قوت خود باقی ماند و بنا بود که طی سال ۱۹۰۷ موضوع تأسیس بانک از سرگرفته شود؛ بیشتر مردم بانک‌ها را صرفاً موظف به پرداخت وام می‌دانستند - بویژه بنکندورف همواره چنین می‌اندیشید. افزون بر این هرگاه این احتمال وجود داشت که خشم لیبرال‌ها - که خواهان اصلاحات در نظام حکومتی بودند - بر افروخته

شود، چنانچه ولیعهد وام هم نمی‌خواست، وامی به او پرداخت می‌شد. در ۳ اکتبر مورلی دستور پرداخت وام را از درآمدهای ۱۰۰/۰۰۰ پوندی هندوستان صادر کرد و در ۴ اکتبر ۵۰/۰۰۰ پوند به بانک شاهنشاهی ایران واریز گردید. در ۱۴ دسامبر بنا به درخواست وزارت امور خارجه، به پوندی ۵۰/۰۰۰ راکه مورلی دستور پرداخت آن را در ژوئن، به دنبال سکنه شاه در ماه مه صادر کرده بود، توسط اداره امور هندوستان برای کمک مالی به ولیعهد پرداخت شد. همان‌گونه که سر آرتور گادلی، از اداره امور هندوستان خاطر نشان کرده بود «علت اصلی این اقدام دریافت تلگرامی از اسپرینگ - رایس در ۱۳ دسامبر بود به این مضمون که شاه در حال مرگ است. پیش از آن خبر داده شده بود که روس‌ها پول، اسلحه و مهمات در اختیار ولیعهد قرار داده‌اند و چنانچه کمک مالی صرفاً از جانب روسیه داده می‌شد، این احتمال وجود داشت که موقعیت انگلیس به خطر بیفتد».

### ح) کشیدن تصویر آلمان همچون دیوی بر روی دیوار

سر آرتور هاردینگ، هنگام کناره‌گیری از سمت خود در تهران در دسامبر ۱۹۰۵، در مورد مظفردالدین شاه - که در ۸ ژانویه ۱۹۰۷ درگذشت - چنین نوشت:

او پیش از آنکه به سلطنت برسد، پنجاه سال از عمر خود را در انزوا در تبریز گذرانده بود... او در آنجا در تهیدستی به سر می‌برد، به گونه‌ای که حتی از پرداختن مخارج زندگی خود نیز عاجز بود، از اینرو هنگامی که به تاج و تخت رسید، برای جبران سال‌های تنگدستی به طرز غیرقابل تصویری به اسراف و ولخرجی روی آورد. در این رهگذر شماری از درباریان نادان و طماع ترک نیز او را حمایت می‌کردند. اینان کسانی بودند که از مدتها پیش در تبریز بی‌صبرانه منتظر مرگ پدر وی بودند تا بتوانند دست به چپاول اموال دولتی بزنند. این مردان اصلاً شرم سیاسی نداشتند و اصول مقدماتی مملکت‌داری را نیز نمی‌دانستند؛ آنها با این دیدگاه خود که به ضعف و کناره‌گذاشتن آنها از حکومت انجامید، سوراخ روزی خود را کور کردند. این امر مانند مواردی بود که هنری پنجم پس از جلوس بر تخت پادشاهی انگلیس کنترل و نظارت بر خزانه ملی

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

کشور را به دست فالستاف\* و پوینس\*\* سپرد.

اسپرینگ- رایس که جانشین هاردینگ در تهران شد، در سال ۱۹۰۷ در مورد زمان صدراعظمی مشیرالدوله - که از ۱۸۹۹ تا اوت ۱۹۰۶ وزیر امور خارجه ایران بود - چنین نوشت: «او از سیاست امین‌السلطان (صدراعظم تا ۱۹۰۳) در مورد وام روسیه، برای پیشبرد منافع شخصی خود، بدون در نظر گرفتن منافع کشورش استفاده می‌کرد». اسپرینگ - رایس در مورد مشیرالملک نوشت: «او پسر ارشد مشیرالدوله بود که در سال ۱۹۰۲ به سمت کاردار ایران در سن پترزبورگ رسید و طی سال ۱۹۰۶ در تهران به سر برد...». او در مورد عین‌الدوله نوشت: «وی صدراعظم بود... تا اینکه در ۲۹ ژوئیه (۱۹۰۶)، پس از حدود سه سال حفظ سمت، برکنار شد. او انسانی نادرست و بی‌وجدان بود که از اروپایی‌ها نفرت داشت و تمام فکر و ذکرش ثروت اندوزی بود».

در مطالعات گسترش روابط میان آن دسته از قدرتهای بزرگ اروپایی که به مسایل ایران می‌پردازند، کمتر به طرف ایرانی توجهی شده است. با این همه از یکی از نوشته‌های ایرانی که به دست اسپرینگ - رایس افتاد، چنین بر می‌آید که به احتمال زیاد تغییراتی در حسابگری مبتکرانه به وجود آمده که خود می‌تواند شاخصه‌ای برای آغاز مذاکرات ۱۹۰۶-۷ بین انگلیس و روسیه باشد.

در ۲۰ اکتبر ۱۹۰۶ اسپرینگ - رایس تلگرام شماره ۲۹۴ را از تهران برای سر ادوارد گری فرستاد:

اطلاعات پایین از منابع موثق به دست من رسیده است:

الف) «م. نائوس در بهار گذشته پیشنهاد اعطای یک وام را از جانب بلژیک و به ضمانت روسیه مطرح کرده، به گونه‌ای که منافع تجاری این وام به بلژیک و منافع سیاسی آن به روسیه تعلق گیرد. صدراعظم به خشم آمد و این طرح به بعد موکول شد.

موقعیت مالی کنونی به شرحی است که در پی می‌آید: نیاز مبرمی به

\* Falstaff

\*\* Poins

یک وام ۱۲ میلیون تومانی است: ۲/۵ میلیون برای کسری بودجه، ۷/۵ میلیون برای پرداخت قرض کوتاه مدت و ۲ میلیون برای مخارج سازماندهی مجدد نظام مالیاتی.

چنانچه این پول وصول نگردد، ایران ورشکسته خواهد شد.

در پایین طرح‌هایی برای کسب مبلغ مورد نیاز آورده شده است:

- ۱- طرح پیشنهادی م. نائوس که بر طبق آن احتمالاً آلمان کمک مالی خواهد داد.
- ۲- وام مشترک انگلیس و روسیه با شرایطی بسیار سخت مانند انجام فوری اصلاحات و کنترل هزینه‌ها.

مورد اول عملاً به معنای فروش ایران به روسیه در سایه حمایت بلژیک خواهد بود.

م. نائوس دو سال است که اعمال سازمان حقوق گمرکی را قابل توجیه نمی‌داند. او دلش می‌خواهد که سازماندهی مجدد امور مالی ایران به وی محول شود و او با هیأت دیپلماتیک روسیه در تماس مستقیم باشد.

قصد روسیه از اصرار به بازپرداخت وام کوتاه مدت آن است که ایران را وادار به پذیرش وامی سنگین‌تر کند و از اینرو بتواند به نقشه اصلی خود برسد. وام مشترک انگلیس و روسیه تنها وسیله‌ای است که با آن می‌توان این نقشه را خنثی کرد.

طرف‌های وام دهنده می‌توانند با دادن رشوه، ملاها را متقاعد به پذیرش این امر کنند».

ب) «شما گول خورده‌اید، اگر بپندارید که روسیه بدون شما وامی نخواهد داد یا اینکه این کشور از این امر امتناع ورزیده است».

هاردینگ، در وزارت امور خارجه، قصد داشت این اطلاعات را مورد بی‌اعتنایی قرار دهد تا بدین وسیله رابطه انگلیس و روسیه را به هم بزند. با این حال در کریسمس اسپرینگ - رایس تبرئه شد و دیدگاه‌هایش پذیرفته شد.

به دنبال خبر ۱۳ دسامبر مبنی بر رو به موت بودن شاه و تأیید وام ۵۰/۰۰۰ پوندی به

## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

ولیعهد از جانب اداره امور هندوستان در ۱۴ دسامبر، حال مهم بود اطمینان حاصل شود که پول بریتانیا و روسیه بطور همزمان و به یک شخص یا سازمان واگذار خواهد شد. با مخالفت برخی از نمایندگان مجلس ایران با هرگونه وام خارجی اوضاع پیچیده شد. نیکلسون از این می‌ترسید که نکند وزیرمختار روسیه در تهران، هارتویگ،\* پیش از آنکه دولت بریتانیا بتواند فوراً و بدون توجه به رضایت مجلس با درخواست رسمی صدراعظم موافقت کند، بر طبق دستورهای واصله عمل کند. او ایسولسکی را وادار کرد تا به هارتویگ بگوید که دقیقاً بر طبق خواسته اسپرینگ - رایس عمل کند. در همین هنگام اسپرینگ - رایس پی برد که از بین دستورهایی که هارتویگ دریافت کرده، برخی از آنها طبق تلگراف او در ۱۹ دسامبر «از اداره امور مالی نشأت گرفته و منبع الهام بخش آنها شخصی به نام م. گروب»\*\* است که با اقدام مشترک انگلیس و روسیه موافق نیست».

وزارت امور خارجه فوراً به رابطه این جریان با حوادث هفته اول سپتامبر پی برد. به گفته یکی از کارمندان «این مسأله نشان می‌دهد که نگرش روسیه به خاطر دستورهای متضاد از سوی دو سازمان گوناگون به کلی دگرگون شده است». از اینرو هنگامی که اسپرینگ - رایس در ۲۴ دسامبر اخبار بیشتری را افشا کرد، گری اصلاً شگفت زده نشد. در ماه نوامبر اسپرینگ - رایس تحقیقات بیشتری انجام داد که اطلاعات آن را در ۲۰ اکتبر ارسال کرد. او نام منابع خبری خود را افشا نکرد، اما تأکید نمود که آنها مستقل هستند و او آنها را به خوبی برانداز کرده است. او یادآور شد که از اوایل فوریه، یعنی هنگامی که لمسدورف با خبر شد که دولت بریتانیا مایل به کناره‌جویی از هرگونه وام به ایران بدون خبر و توافق دولت روسیه است، وزیرمختار ایران در سن پترزبورگ و پسر وزیرامور خارجه «در ارتباط با مذاکرات وام با روسیه» در تهران به سر می‌برند. اسپرینگ - رایس با توجه به اخباری که «از منابع موثق» به دستش رسیده بود، چنین دریافت که روس‌ها دوست دارند وام قابل توجهی را با شرایط بسیار سنگین، یعنی کنترل عملی روابط خارجی ایران، به ایران بپردازند که در این خصوص هم شاه و هم صدراعظم عین‌الدوله به این نتیجه رسیدند که بهتر است با آن مخالفت کنند. به دنبال «جلسات تابستانی در حضور شاه،

\* Hartwig

\*\* M. Grube

که در آنها به تندی صحبت شد، درباره میزان پذیرش شرایط روسیه، اسپرینگ - رایس در پایان ژوئیه خواستار عزل عین‌الدوله از مقام صدراعظمی شد. او خاطر نشان کرد که بی‌درنگ پس از آن مشیرالدوله، وزیر امور خارجه‌ای که همچون پسرش، وزیرمختار ایران در سن پترزبورگ «به شدت درگیر مذاکرات وام روسیه بوده» صدراعظم خواهد شد. اما با وجود این ارتقاء درجه، خصلت «ذاتاً ترسوی» مشیرالدوله او را واداشت تا با اکراه زیر بار عقد قرارداد وام فوری رود. اسپرینگ - رایس گفت که دعوت روسیه از م. نائوس در سپتامبر ۱۹۰۶ برای ملاقات سن پترزبورگ، برای بحث درباره اوضاع مالی ایران، اقدامی برای از سرگیری مذاکرات ایران و روسیه بود؛ نیکلسون به واسطه ایسولسکی در ۲۱ سپتامبر از این دعوت باخیر شد. او همچنین اظهار داشت که طرح پرداخت وام برای برآورده ساختن نیازهای مبرم طرحی بود که از جانب مشیرالدوله مطرح شده بود. ضمناً چنانچه این وام به تنهایی از سوی روسیه پرداخت می‌شد، مورد اعتراض عموم قرار می‌گرفت. در مورد این وام چنین توافق شده بود که «اگر بعدها ضرورت پیش آمد، بایستی در مورد یک وام سنگین و دائم مذاکرات از سر گرفته شود». (اسپرینگ - رایس در گزارش سالانه خود در سال ۱۹۰۶ بیان کرد که واگذاری خط تلگراف مشهد - سیستان در ماه اوت به روسیه بخشی از این مذاکرات بود که بنا به درخواست مجدد ایران توسط مشیرالدوله در اواسط اوت صورت گرفت).

اسپرینگ - رایس دوست داشت که ایسولسکی را از هر گونه تقصیری در این رابطه تبرئه کند. او در پایان گفت:

به جرأت و با توجه به تجربه‌ای که دارم می‌توانم بگویم که وزارت امور خارجه روسیه از مذاکرات وام قبلی که در سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ بین سازمان امور مالی روسیه و دولت ایران انجام شده، با خیر نشده است... چنین به نظر می‌رسد که وزارت امور خارجه روسیه تا حدی راجع به مذاکرات اخیر بی‌خبر نگه داشته شده است. حضور م. گروب (رئیس بانک روسیه در ایران) در سن پترزبورگ (او در مه به آنجا رسید) اقدامی بود که احتمالاً از سوی یکی از تشکیلات دولت روسیه و قطعاً بدون اطلاع ایسولسکی صورت گرفت. او می‌پنداشت که توافق صوری بین دولت‌های روسیه و انگلیس از سراجبار صورت گرفته که براساس آن



هیچ یک از دو دولت نمی‌توانست «بی‌خبر از دیگری وامی بپردازد».

گری به محض دریافت این خبر در ۲۴ دسامبر چنین نوشت:

م. ایسولسکی در مذاکراتی که با ما درباره‌ی وام مشترک داشته، سخن از هنگامه‌ی یک وام بزرگ به میان آورده و بیان کرده که احتمالاً وزارت امور خارجه‌ی روسیه همچون قبل در نیرنگ است، بدین معنی که وزارت امور خارجه‌ی روسیه از روند کار دیگر وزارتخانه‌ها بی‌خبر است: گاهی وزارت جنگ روسیه - و اکنون این وزارت امور مالی است که در مورد تعهدات وزیر امور خارجه‌ی روسیه به ما دروغ می‌گوید. برای ما بسیار آسان است که خودمان با پرداخت وام دست روس‌ها را از ایران جدا کنیم. اما برای انجام این امر مسؤلیت‌های جدیدی را نیز بایستی تقبل کنیم که دیر یا زود تحمل آن برای ما طاقت‌فرسا خواهد شد.

فرضیه‌ی اسپرینگ - رایس بدون طرفدار نیست. دلیل اینکه ایرانی‌ها می‌خواستند تاریخ قرارداد آنها با آلمان از ۲ ژوئیه به ۲۵ مه تغییر کند، همانی بود که آنها به ریچتوفن گفته بودند، مبنی بر اینکه بلافاصله پس از آن تاریخ (۲۵ مه) مذاکرات با دولت روسیه درباره‌ی وامی جدید آغاز شده بود. افزون بر این ایسولسکی از اواخر ماه ژوئیه از مذاکره بین ایران و آلمان آگاه شده بود و کوهن نیز دستور یافته بود تا او را از این قضیه آگاه سازد. با این حال ایسولسکی تنها در تاریخ ۸ سپتامبر قضیه‌ی مذاکره بین ایران و آلمان را به اطلاع بریتانیا رساند. به طور حتم این احتمال وجود دارد که ایسولسکی در جلسه شورای سلطنتی روسیه در تاریخ ۷ سپتامبر به چیزی پی برده باشد - به احتمال قوی از طریق ا.ک. گروپ و نائوس که در آن جلسه حضور داشتند.<sup>(۱۳)</sup> که قبلاً در مورد آن بی‌اطلاع بوده است و از آنجا که می‌ترسید این خبر در روابط انگلیس و روسیه خدشه وارد کند،<sup>(۱۴)</sup> تصمیم گرفت که از آلمان به عنوان سپر بلا استفاده کند. اگر چنین باشد، نام ایسولسکی را می‌بایست به فهرست نامهای کسانی افزود که پیش از این کمی در حسابگری مبتکرانه خود افراط کرده بودند. این فهرست شامل نامهای سر آرتور هاردینگ (با گری) سر چارلز هاردینگ (در مورد بنکندورف)<sup>(۱۵)</sup>، سر ادوارد گری (در مورد مورلی و کمپبل - بنرمن)، مورلی در مورد میتو و میتو در مورد دولت هندوستان می‌باشد. همگی اینها خواسته یا ناخواسته در کاری دست داشتند که اسپرینگ - رایس در سال بعد از آن به عنوان «کشیدن تصویر آلمان

همچون دیوی بر روی دیوار» نام برد.

### پیوست

از نایب‌السلطنه (لرد میتو) به وزیر خارجه در امور هندوستان (مورلی)، ۱۹ سپتامبر ۱۹۰۶  
 وزیر امور خارجه. تلگرام‌های جنابعالی در تاریخ ۱۲ و ۱۴ سپتامبر. احتراماً به عرضتان  
 می‌رساند که پیش از دریافت تلگرام ۹ سپتامبر گرت - داف ما هیچ خبری در خصوص نیت  
 دولت اعلیحضرت برای توافق با وام مشترک روسیه به ایران دریافت نکرده بودیم و اظهارات ما  
 در مورد راه بندرعباس - بم مبتنی بر گزارش ارسالی در تلگرام گرت - داف به تاریخ دوم سپتامبر  
 بود. بر این اساس ایران مستقلاً در حال مذاکره با روسیه راجع به وامی محرمانه بود. ما اکنون  
 می‌دانیم که برای رسیدن به توافقی کلی در خصوص قضیه ایران به وامی مشترک اندیشیده  
 می‌شود و دستورهای این قرارداد نیز برای سفیر بریتانیایی دولت اعلیحضرت در سن پترزبورگ  
 در تاریخ ۱۲ سپتامبر فرستاده شده است. قضیه به گونه‌ای است که به نظر ما شدیداً بر روی منافع  
 و امنیت هندوستان تأثیر خواهد گذاشت و اگر چه ممکن است به خاطر ایجاز در تلگرام شما، ما  
 به طور کامل از ماهیت قراردادها مطلع نباشیم، اما با نهایت احترام به خود جرأت می‌دهم تا به  
 مطالب خاصی در مورد آن پیشنهادها، همان گونه که در تلگرام ۱۴ سپتامبر شما بیان شد، اشاره  
 کنم به این امید که این دیدگاهها پیش از عقد هر گونه قراری مدنظر قرار گیرد. در همه پیام‌ها و  
 تلگرام‌های ارسالی، از خبر ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۹ از سوی دولت لرد کرزن گرفته تا تلگرام لرد میتو  
 به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۰۶، دولت هندوستان بارها اظهار داشته که قدرت‌های خارجی بایستی از  
 داشتن بندر در خلیج فارس محروم شوند و در جنوب خط خاتقین تا شمال بیرجند هیچ گونه  
 امتیازی در زمینه جاده، راه‌آهن یا تلگراف نباید به هیچ کشوری به جز بریتانیای کبیر داده شود.  
 این سیاست عملاً به واسطه بیانیه لرد لندون به شاه در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۰۲ و همچنین  
 اعلامیه مجلس اعیان در تاریخ ۶ مه ۱۹۰۳ مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفت. از اینرو دولت  
 هندوستان با تشویش فراوانی خط امتیازات را تا مشرق بندرعباس امتداد داد که بدین ترتیب  
 تمامی بنادر غربی آن منطقه را بر روی کشورهای خارجی باز گذاشت و آنها اجازه ساخت راه‌آهن  
 و پایگاههای دریایی را در این شهرهای بندری کسب کردند. به طور حتم لازمه این امر آن بود که

از یک نیروی دریای قوی در خلیج فارس پشتیبانی شود که بتواند از عهده اسکاادران‌های خارجی برآید. به هر حال گرچه می‌شد بدین طریق از سیستان حمایت کرد، ولی اگر قرار باشد درلنگه بندری برای دشمن ساخته شود و چنانچه قرار باشد کرمان تحت کنترل قوی نیروهای نظامی قرار گیرد و یا راه‌آهن به تهران وصل شود، حفظ خط بندرعباس - سیستان بدون نیروی زیاد اگر غیر ممکن نباشد، دشوار خواهد بود. در ضمن افسر متخصص راه‌آهن پس از بررسی دقیق در سال ۱۹۰۳ بیان کرده که مسیر ممکن برای راه‌آهن، از اهواز به شیراز و کرمان و سپس نوشکی خواهد بود. اگر زمانی راه‌آهن بغداد ساخته شود، این خط به عنوان راهی مستقیم برای تجارت با هندوستان مهم قلمداد خواهد شد و چه خوب است که درحوزه نفوذ ما قرار گیرد. خط پیشنهادی این هدف را قربانی خواهد کرد و همچنین منافع اقتصادی ما را در خلیج فارس به خطر خواهد انداخت. همچنین این امر موقعیت برجسته کنونی ما را در خلیج فارس بسیار تضعیف خواهد کرد و بدین ترتیب ما دیگر نمی‌توانیم بر خروجی راه‌آهن بغداد کنترل و یا حتی بر سواحل عربی خود احاطه داشته باشیم و از اینرو وعده‌های ما به شیوخ محمره و کویت محقق نخواهد شد. سرانجام ما با شهامت با پرداخت وام روسیه در برابر حقوق گمرکی بنادر اصلی خلیج [فارس] به جز بندرعباس مخالفت می‌کنیم، زیرا قبلاً این بنادر برای وام‌های هندوستان وثیقه قرار گرفته‌اند. چنانچه دولت اعلیحضرت بنا به دلایلی که ما از آن ناآگاهیم، فکر کند که ما باید از خط خاقین - بیرجند فاصله بگیریم و حوزه نفوذ روسیه یا دیگر کشورها را نمی‌توان به شمال آن خط محدود کرد، در این صورت ما خط محمره به قائن را که بهتر نیز هست - پیشنهاد خواهیم داد. این خط گرچه تقریباً از نواحی مهم ایران از جمله دو پایتخت، تهران و اصفهان فاصله دارد ولی از ایرادهای جدی خط بندرعباس - بیرجند مصون خواهد بود. چنین بر می‌آید که در حال حاضر خط مورد نظر خطی است برای سازش نه برای تصرف.

در واقع ما برآنیم که اگر روسیه سرانجام موفق به جذب بخشی از ایران شد، ما نیز در قبال این پیشرفت روس‌ها در ایران فکر خود را بر روی خط بندرعباس - بیرجند متمرکز کنیم. اما این جذب امری محتوم نیست و به هر شکل مستلزم فرایندی تدریجی می‌باشد که شاید ۴۰ سال طول بکشد و در هر مرحله به خاطر اقدامات دیپلماتیک به تأخیر بیفتند. پس ما باید زمان آن را داشته باشیم که طرح‌های دفاعی خود را با شرایط گوناگون سازگار سازیم. طرح حاضر به وام،

بدون مخالفت روسیه سرعت خواهد بخشید و احتمالاً تدارکات دفاعی ما برای آن ناکافی خواهد بود. بنابراین ما در حال حاضر به جای پذیرش خط بندرعباس - بیرجند، ترجیح می‌دهیم برمبنای وثیقه قبلی وام بدهیم تا بدون دادن هیچ امتیاز دیگری به طور کامل بر مشکلات قبلی فائق آییم و این در حالیست که مقدمات تعویض خط تلگراف مشهد - تهران به جای مشهد - سیستان نیز فراهم شده است. برخلاف چنین توافقی همان گونه که در تلگرام ۱۴ سپتامبر شما بیان شد، بنا به اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم، با نهایت احترام و در عین حال شدیداً با منافع هندوستان مخالفیم و اطمینان داریم به هیچ وجه از ما تقاضا نخواهد شد که بودجه وام را برای چنین اقدامی تأمین کنیم یا در پرداخت مخارج سنگین نیروی دریایی و نظامی اعانه دهیم. لرد کیچنر در سفر به سر می‌برد و ما هنوز از نظرات او اطلاعی نداریم.

از وزیر خارجه در امور هندوستان (مورلی) به نایب السلطنه (لرد میتو)، وزارت امور خارجه،

۲۴ سپتامبر ۱۹۰۶

وزیر امور خارجه، ایران. تلگرام‌های جنابعالی در تاریخ نوزدهم سپتامبر ۱۹۰۶.

به نظر می‌رسد که اساس این قضیه که شما به لطف خود پیشنهاد بررسی خواهید داد، قرار است در پیشنهاد فرمانده کل قوا به این مضمون که «با توجه به اوضاع واحوال کنونی در روسیه هرگونه توافق کلی بر سر ایران نا بهنگام خواهد بود»، توضیح داده شود. با این همه قضیه بهنگام بودن قضیه‌ای نظامی نیست، بلکه سیاسی می‌باشد و دولت اعلیحضرت برای تصمیم‌گیری پیرامون این قضیه سیاسی افزون بر هندوستان باید سیاست سلطنتی را نیز مورد توجه قرار دهد. دولت اعلیحضرت بی‌چون و چرا معتقد است که اوضاع کنونی در روسیه، اوضاع ایران، و نگرش احتمالی دست کم یکی دیگر از کشورهای اروپایی به قضیه ایران همه و همه دست به دست هم داده و فرصت را برای به توافق رسیدن با روسیه فراهم می‌سازد و این در حالیست که ما از تمامی منافع تجاری و نظامی مشروع و اساسی خود، هم منافع هندی و هم منافع بریتانیایی، دفاع خواهیم کرد. در یکی از بندهای تلگرام شما به سیاستی جایگزین اشاره شده است: «فرایند تدریجی» جذب روسیه، «که شاید ۴۰ سال طول بکشد و در هر مرحله به واسطه اقدامات دیپلماتیک در آن وقفه ایجاد شود»، بدین ترتیب ما این فرصت را خواهیم یافت

که «طرح‌های دفاعی خود را با شرایط گوناگون سازگار کنیم». حال اجازه دهید بینیم منظور از حفظ وضعیت موجود به مدت ۴۰ سال چیست. چهل سال رقابت کنسولنی دیگر، درمان دروغین طاعون، بحث و مجادله بر سر تلگراف، نقشه و توطئه‌های بین‌المللی، نوسان بی‌پایان و سرمایه‌گذاری سنگین راهبردی در هندوستان و سرانجام دور ماندن خواسته یا ناخواسته ایران از منافع تمدن جدید به خاطر درگیری با دول غرب - این چشم‌اندازی است که با آرامش کامل توأم نخواهد بود و دول اعلیحضرت تصمیم گرفته تا با اقدامی مشخص راه‌حل دیگری را برای این موضوع بیابد.

به نظر من شما هم موافقت خواهید کرد که چنانچه منافع نسبی ما از خطوط بندرعباس - بیرجند و خانقین - قائن به طور کامل روشن نشود، حتی اگر با پیشنهاد خط خانقین - که پیش از این توسط دولت هندوستان مطرح شده - موافقت شود، نمی‌توان انتظار داشت که این طرح دیرپا باشد. سرانجام این خط به زور تصرف خواهد شد و این به معنای الحاق قسمت جنوبی ایران خواهد بود. دولت اعلیحضرت معتقد است که این خط نباید به صورت یک مرز نظامی گماشته شود و آنها به شدت با الحاق هر بخش از خاک ایران مخالفند.

در میان ایرادهای دیگر، شما نیز تأکید خواهید کرد که خط بندرعباس پای کشورهای اجنبی را به بنادر غربی این منطقه باز خواهد کرد و این فرصت مناسبی است تا آنها بتوانند دست به ساخت راه‌آهن و دیگر تأسیسات دریایی بزنند. این سخن شما به گفته معروف لرد لندسون در مورد سیاست مجلس اعیان اشاره دارد. اما لرد لندسون صریحاً بیان کرد که هیچ‌گونه تمایلی به محروم ساختن تجارت مشروع کشورهای دیگری در خلیج فارس ندارد. به عبارت دیگر او معتقد بود که یک پایگاه دریایی یا بندر مجهز برای منافع بریتانیا خطرات بی‌شماری خواهد داشت و ما بایستی با تمام وجود با آن مقاومت کنیم. دولت اعلیحضرت نیز در مذاکرات کنونی خود از این موضع دوری نخواهد جست.

باید توجه داشت که هیچ‌یک از شرایط یاد شده در وام مشترک، به بریتانیای کبیر و روسیه این اجازه را نمی‌دهد که اقدامی مغایر با استقلال و خودکفایی ایران صورت دهند و هر دو طرف نیز متعهد به آن هستند. از اینرو هیچ‌گونه مسأله‌ای بر سر اشغال یا تجهیز نظامی به وجود نخواهد آمد.

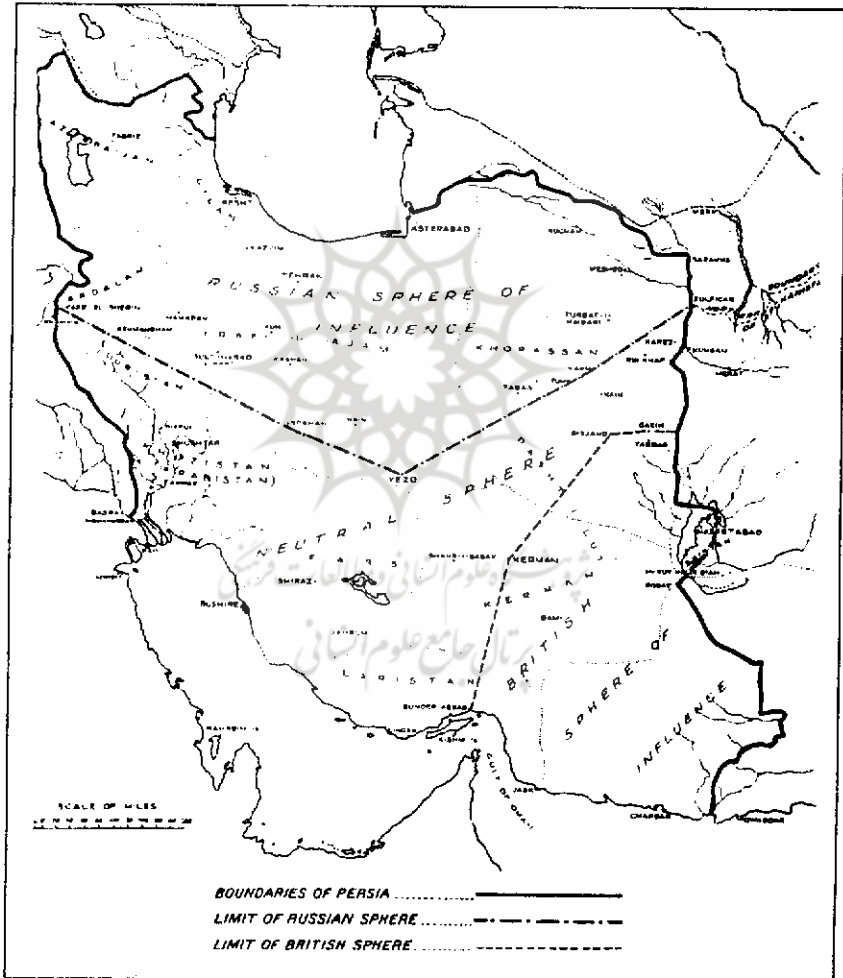
رعایت این موضوع این تشویش و نگرانی شما را از بین خواهد برد که خط بندرعباس منجر به مخارج دریایی اضافی در مجاورت خلیج فارس] شود و نیاز به نیروی نظامی عظیمی برای حفظ خط بندرعباس - سیستان داشته باشد.

و اما تأثیر منطقه مغرب خط بندرعباس بر روی موقعیت ما در خصوص راه آهن بغداد یا وعده‌های ما به شیوخ محمره و کویت باعث آسیب رسیدن به اهمیت دولت اعلیحضرت خواهد شد و چنانچه تأثیری بر روی دولت هندوستان داشته باشد، این تأثیر بسیار اندک خواهد بود. هرگاه وضعیت دیپلماتیک بیشتر شفاف و روشن شد، من تا آنجا که امکان داشته باشد شما را بیشتر با کل موضوع در حمایت از سیاست دولت اعلیحضرت آشنا خواهم کرد. در این اثنا دوست دارم که شما متوجه توطئه‌های موضوع جاری باشید؛ روسیه دست به اقداماتی زده تا نشان دهد که ایران توان مقاومت ندارد، ما نمی‌توانیم به طور منطقی بهانه‌ای برای جنگ داشته باشیم و به طور مؤثر و برای همیشه مقابله کنیم، مگر آنکه وارد جنگ شویم. به نظر می‌رسد که در دیگر نواحی جدید نیز نگرانی‌هایی به وجود آید. چنین توافقی همان گونه که دولت اعلیحضرت در مورد آن اندیشیده، ما را از این نگرانی همیشگی رهایی خواهد بخشید که دیگر مجبور به نگرستن به این فرایند نباشیم. در همین حین این توافق هیچ آسیبی به منافع فعلی و آتی، چه برای تجارت و چه برای دفاع از هندوستان، وارد نخواهد کرد.

ژئوپلیتیک و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

نقشه تقسیم ایران به حوزه نفوذ انگلیس و روسیه و منطقه بی طرف براساس موافقتنامه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه



1. Note by Barnes, "Question of a Loan to Persia". 8 Jan. 1906 and Postscript of 10 Jan., IOL MSS, L/P&S/18/C110.

سندرسون در وزارت امور خارجه بیان کرد که چکیدهٔ کلام بارنز عبارت «مالکیت نه دهم قانون است» می‌باشد. گری در واکنشی سریع این‌گونه پاسخ داد که «این مسأله در صورتی به نفع ما خواهد بود که ما قصد داشته باشیم به خاطر حفظ منافعمان سلطه و نفوذ خود را بر مناطق جنوبی ایران بیشتر کنیم و من فکر نمی‌کنم که ما برای حفظ منافع خود نیاز به چنین امری داشته باشیم».

Minutes by Sanderson and Grey, 9 Jan. 1906, FO371/169/2940.

2. Minute by Gery on note by Hardinge, 7Feb. 1906, FO371/169/5241.

چند روز بعد، هنگامی که دولت هندوستان ابراز نگرانی کرد که روس‌ها به طور غیر مستقیم و با کمک نمایندگیهایی مانند بانک دیخ (des Prêts) به ایران وام می‌دهند و پس از آنکه این دولت از مورلی خواست که فقط در صورت تحمیل شرایطی بر روسیه از بازنگری قضیه صرف‌نظر کند، گری به مورلی گفت «که اگر پس از آنچه گذشت روس‌ها برای به دست آوردن سلطه بر بنادر جنوبی ایران، به ایران وام می‌دادند، بالاجبار به آنها می‌گفتیم که در صورت دخالت در امور هر یک از آن بنادر، آن را متصرف خواهیم شد».

Viceroy to Secretary of State, 13 Feb. 1906, minute by Grey, *ibid.*/5497.

۳. آیرا کلین (Ira Klein) در مقالهٔ خود، "British Intervention in the Persian Revolution 1905-1909"، که در *Historical Journal* [ج ۱۵، ش ۴ (۱۹۷۲)، ص ۷۳۴] چاپ شده، کاملاً به غلط یادداشت مورخهٔ ۲۳ فوریه را از گری دانسته است.

The memorandum, entitled "Persia", is in Grey MSS FO800/70. For some background on Lynch-see J.S. Galbraith, "British Policy on Railways in Persia, 1870-1900", *Middle Eastern Studies*, Vol.25 (1989), pp.480-505.

۴. مانگر در صفحهٔ ۲۸۳ کتاب خود، *The End of Isolation* (فرجام تنهایی) بیان می‌دارد که گری به کمک وام

\* پی‌نوشت‌ها تنها شامل آن بخش از یادداشت‌های مقاله است که افزون بر ارجاعات، توضیحاتی را نیز در بردارد.



## ● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

مشترک انگلیس و روسیه بر آلمان‌ها پیشی گرفت.

5. B.Oppel, "The Waning of a Traditional Alliance: Russia and Germany after the Portsmouth Peace Conference", *Central European History*, Vol.5(1972), pp.318-29; O.Crisp, "The Russian Liberals and the 1906 Anglo-French Loan to Russia", *Slavonic and East European Review*, Vol.39 (1960-61), pp.497-511; Cambon to Bourgeois, 7 April 1906, *Documents Diplomatiques Francais 1871-1914* (Paris,1929-1962), 2nd Series, Vol. IX,No.626.

لندون در ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۵ به رولستوک نوشته بود که «به نظر من در این موقعیت حساس ما بایستی با روسیه بسیار ملاحظه‌کارانه رابطه برقرار سازیم و در حال حاضر می‌کوشیم تا جلوی قرارداد جدید با ژاپن را بگیریم تا تجربه تلخی برای آن کشور به جای نگذارد. با این وضع، به نظر من موضوع وام روسیه در لندن و پاریس، تأثیر خوبی خواهد داشت».

Lansdowne MSS L(5)32 (seen at Bowood House; since Transferred to the British Library).

6. Minto to Morley, 25 July 1906, Eur.D 573/9.

مورلی بر روی یکی از نامه‌هایی که از نایب السلطنه در ۱۲ ژوئیه (در این تاریخ نایب السلطنه هنوز نامه ۶ ژوئیه وی را وصول نکرده بود) دریافت کرده بود، چنین یادداشت کرده بود: «من باید پیش از آنکه دیر شود گزارشی به دولت هندوستان بنویسم و توجه آنها را به پوچی مقاصدشان جلب کنم تا کشوری مستقل و در عین حال دوست باشند».

IOL MSS L/P&S/10/9/1290.

7. Nicolson Diary, 25 Aug.1906.

در اواسط اوت، پیرو گفتگویی که بین استالین و دونالد مکینزی ولس (از *The Times*) انجام شد، گری چنین نوشت: «گرچه هنوز شخصیت برجسته‌ای روی کار نیامده و آینده را به هیچ وجه نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما اوضاع بسیار جالب می‌نماید».

8. A. Hardinge to Grey No.108, 19 July 1906, FO416/28 No.61.

با آنکه نیکلسون در ۱۵ اوت در دفترچه یادداشت خود نوشته بود: «ما روسیه را به سمت آلمان سوق می‌دهیم»، ولی او در این راستا چیزی به وزارت امورخارجه ننوشته بود:

PRO 30/81/13.

9. Grey to Nicolson, 12 sept.1906, IOL MSS, L/P&S/10/9/3460, my italics.

همان گونه که در اسناد محرمانه Confidential Print (FO 416/28 No.167) آمده است، عبارت بند آخر نسبت به اصل آن غیر صریح تر می باشد. عبارت «چیزی به منزله توافق کلی» با جمله «چیزی که در واقع توافقی کلی محسوب می شود» جایگزین گشته است. مانگ (Monge) در صفحه ۲۸۹ کتاب *The End of Isolation* تنها از مجله Confidential Print استفاده کرده و در نتیجه تمام ابعاد سیاست گری را نمایان نساخته است.

See also Grant-Duff to Grey, 9 sept.1906, FO 416/28 No.158.

10. Viceroy to Secretary of State, 19 sept.1906, IOL MSS, L/P&S/10/9/1595.

آسکوئیت (Asquith)، وزیر دارایی، در ۲۳ سپتامبر به گری چنین نوشت: «... اکنون که دولت هندوستان برای تعیین حدود منافع در ایران کمی سر درگم است، به نظر من هدف اصلی اش آن است که مانع دستیابی روسیه به دریا، چه خلیج و چه شرق دور، شود».

Grey MSS FO800/101.

واکنش فوری اداره امور هندوستان را می توان به خوبی از نوشته هاردینگ در ۲۰ سپتامبر فهمید. به نوشته ریچای: «رابطه بین او (نائب السلطنه) و وزیر امور خارجه تا حدی خدشه دار شده است».

FO371/169/31815

11. Minto to Morley, 19 sept.1906, Eur. D573/28 F.63.

با توجه به این تلگرام و نامه پیرو آن می توان دریافت که برخلاف ادعاهای مانگر، مجله Confidential Print و یا دست کم بخش هایی از آن به دست نائب السلطنه می رسیده و مورلی نیز مطالب آن را دریافت می کرده است:

Minto to Morley 19 september 1906, Eur. D573/9; Monger, *The End of Isolation*, pp.284,307.

12. Grey to Nicolson No.369, 27 sept.1906, FO416/28 No.218.

این مطلب برگرفته از نوشته گری به مورلی (ش. ۲۴۳) به تاریخ ۲۳ سپتامبر می باشد: «بهتر است که ما کل وام ۴۰۰/۰۰۰ پوندی را با روسیه مشترکاً پرداخت نکنیم تا روسیه با خط پیشنهادی بیرجند- بندرعباس موافقت کند و این گونه ما بتوانیم مشکل تلگراف را نیز مرتفع سازیم».

FO371/169/32058.

13. Martin, *German-Persian Diplomatic Relations*, p.140;

اسپهرینگ - رایس قرار بود که نظر خود را در مورد توافق کلی با روسیه به نائوس اعلام کند.

In Spring-Rice to Grey, 12 Oct.1906, Grey MSS FO800/70.

۱۴. پیشتر در فوریه، لِمسدورف به اسپهرینگ - رایس گفته بود که شاه با بانک شاهنشاهی ایران (انگلیس) بر سر یک وام ۱۵۰/۰۰۰ پوندی وارد مذاکره شده است. اسپهرینگ - رایس در این مورد گفت: «اگر این مسأله درست باشد، به زودی تمام شانس ها برای به توافق رسیدن با این کشور از بین خواهد رفت».

● جایگاه وام‌های ایران در آغاز مذاکرات انگلیس و روسیه بر سر قرارداد ۱۹۰۷

(Spring-Rice to Grey 15 February 1906, Grey MSS FO 800/72)

قضیه وام روسیه در سپتامبر ۱۹۰۶ نیز دارای همین تأثیر بوده است.

۱۵. به خاطر هاردینگ بود که بنکندورف در گزارشی به اِیسولسکی در خصوص نگرانی بیشتر انگلیس نوشت که آلمان‌ها بیش از روسیه خود را در ایران مهیا و آماده می‌سازند:

Benckendorff to Isvolsky, 29 May, 5 Sept. 1906, in Isvolsky, *Au Service de la Russie*, vol. 1, pp. 298, 362.

نگرش دقیق‌تر هاردینگ را از گفته صریح او به هنگام شنیدن خبر حمله ایران به کنسولگری انگلیس در سیستان می‌توان فهمید. او گفته بود: باید به گونه‌ای عمل شود که روس‌ها نتوانند «فراق‌ها را به شمال، جایی که احتمال بروز مشکلاتی مشابه وجود دارد»، وارد کنند.

